

معیارهای دموکراتیک در دنیای مدرن و اسلام در انتخابات منصفانه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

حسین ولی زاده

دوره دکتری تخصصی حقوقی خصوصی

ارشد حقوق اقتصادی شهید بهشتی

دوره ارشد حقوق عمومی دانشگاه شیراز

چکیده

شیوه انتخاب زمام داران و نهادهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران از موضوعاتی است که مورد ارزیابی های گوناگون قرار گرفته است. برخی در مقایسه با نظام های لیبرالی، آن را دارای کاستی هایی دانسته اند. نگارنده در مقاله حاضر به بررسی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و نحوه انتخاب زمام داران و هم چنین مقایسه آن با نظام های عمده لیبرال دموکراسی (ایالات متحده امریکا، انگلیس و فرانسه) پرداخته است. به نظر می رسد هر دو نظام انتخاباتی بر اساس مبانی خود شرايطی را برای منتخبین و انتخاب کنندگان پذیرفته اند و از سویی محدودیت هایی را نیز اعمال نموده اند. مطالعه ی تطبیقی نظام انتخاباتی، همواره زمینه ساز بهینه سازی قوانین مرتبط با انتخابات منصفانه در ادبیات حقوق اساسی کشورهاست. انتخابات یکی از اساسی ترین الزام ها و پیش شرط های مردم سالاری و مشروعیت نظام های نوین محسوب می شود. با وجود این صرف برگزاری انتخابات کمکی به پیشرفت دموکراسی نمی کند، مگر این که دیگر حقوق و آزادی های بنیادین دموکراسی به رسمیت شناخته شود. از این حیث نظارت بر انتخابات امری است که همگان بر ضرورت آن معترفند. فلسفه ی تعیین ناظر، اجرای صحیح قوانین و جلوگیری از دخالت های غیر قانونی مقامات اجرایی و سیاسی است. هدف اصلی حفظ سلامت انتخابات منصفانه است و نظارت بی قید و شرط و بدون پاسخ گویی نمی تواند این مقصود را برآورده سازد. نظام حقوقی اسلامی ایران مبتنی بر نظارت مضاعف است. شورای محترم نگهبان مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی این نظارت را بر عهده دارد و سپس اعتبار نامه نمایندگان منتخب مورد بررسی و تصویب قرار می گیرد. در اصل مذکور از چگونگی این نظارت سخنی به میان

نیامده است و این مساله موجب بروز برداشت های حقوقی متفاوت شده است. اعمال این نظارت به نحوی است که علاوه بر نظارت بر صحت انتخابات نوعی نظارت بر صحت انتخاب نیز از طرف مرجع ناظر به عمل می آید که این مساله منشا عمده تنش های انتخاباتی بوده است. نظارت شورا استصوابی است و شامل کلیه مراحل انتخابات است و ناظرین منتخب شورا فاقد صلاحیت مستقل هستند در این خصوص تصمیمات نهایی شورا قطعی و لازم الاجرا است. در نظام انتخاباتی دموکراتیک مدرن نظیر انگلستان ضمن توجه به تفاوت های بنیادین در نظام حقوقی و سیاسی نهادی مشابه شورای نگهبان که به موجب قانون نظارت بر انتخابات به آن واگذار شده باشد وجود ندارد. شرایط عینی و فقدان شرایط مبهم و قابل تفسیر مساله ی تشخیص صلاحیت ها را قابل ارزیابی می سازد و تشخیص صلاحیت ها بیشتر حزبی است نظارت جنبه ی پیگیری و منوط به شکایت افراد است که از طریق دادگاه انتخاباتی مخصوص پیگیری می شود.

واژگان کلیدی: معیارهای دموکراتیک، دنیای مدرن، انتخابات اسلامی، انتخابات منصفانه، قانون انتخابات، نظارت، انتخاب کننده، انتخاب شونده

مقدمه

در اندیشه سیاسی اسلام، مسئله امامت و ولایت فقیه بر این پیش فرض استوار است که حاکمیت، تبلور آرمان سیاسی ملّتی هم عقیده و هم فکر است که راه خود را به سوی تکامل می گشاید و در این روند از امامت و ولایت فقیه به منزله عنصر الهی در نظام سیاسی حمایت می کند؛ بدین ترتیب، حاکمیت در دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و استبداد فردی یا گروهی نیست. بر این اساس، ولایت امر، امامت و رهبری از جانب مردم با انتخاب غیر مستقیم، عهده دار مسئولیت های رهبری می شود. در نظام اسلامی، جنبه الهی حکومت از جنبه مردمی آن تفکیک پذیر نیست، زیرا مردم با اراده جنبی، حاکمیت قانون خدا را پذیرا می شوند، لذا در اندیشه سیاسی اسلام چنین حکومتی هم مظهر اراده ی الهی، و هم تبلور اراده جنبی مردم می باشد.

در اندیشه سیاسی اسلام با وجود این که حاکمیت مطلق از آن خداست، لکن انسان بر سرنوشت خویش حاکم است و کسی نمی‌تواند این حق را از وی سلب کند یا در خدمت فرد یا گروه خاصی قرار دهد. دو بعدی بودن حاکمیت و تفکیک ناپذیری بعد الهی آن (امامت و ولایت فقیه) از بعد مردمی آن (آرای عمومی) در عمل می‌تواند الگوی کاملی از پیوند انسان و جامعه با خدا باشد؛ جامعه سیاسی که هم خدا در آن حضور دارد و هم اراده مردم [۱].

بخش اول: نحوه انتخاب رهبر

در ارتباط با نحوه انتخاب رهبر در جمهوری اسلامی، شبهاتی مطرح است که پشتوانه علمی چندانی ندارند. به ویژه آن که ولایت فقیه در این جا دال مرکزی گفتمان اسلام گرایی در نظر گرفته شده که سایر نشانه‌های توسعه سیاسی، حول این مفهوم معنا می‌یابند. لذا بایستی دال مرکزی، امری قابل دفاع، منطقی و توجیه‌پذیر باشد تا بتوان از مدلول‌های دیگر سخن به میان آورد، چرا که در تحلیل گفتمان، هر گفتمانی برای هژمونیک شدن باید بتواند ساختار بندی گفتمان رقیب را درهم بریزد، پس باید به تقویت دال مرکزی اسلام گرایی همت گماشت تا آنگاه بتوان در برابر گفتمان لیبرال دموکراسی که دال مرکزی آن می‌تواند آزادی در نظر گرفته شود، حرفی برای گفتن داشت.

در نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام و مردم سالاری است، کسی حق ندارد خود را رهبر و حاکم مردم بخواند مگر آن که به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای این مسئولیت مهم انتخاب گردد، از این روست که مردم مجازند در صورتی که رهبر را فاقد شرایط لازم ببینند، فرد شایسته دیگری را برگزینند. انتخاب رهبر از مهم ترین جلوه‌های بارز نقش مردم به شمار میرود که در اصل ۱۰۷ به دو صورت پیش بینی شده است: انتخاب مستقیم رهبری توسط مردم و دیگری انتخاب غیر مستقیم و از طریق مجلس خبرگان رهبری. صورت اول، زمانی است که به صورت کاملاً آشکار، رهبر، مورد پذیرش اکثریت قاطع مردم قرار گرفته که مصداق آن حضرت امام خمینی (ره). اما است روش دوم که گزینش غیر مستقیم است و در آن ابتدا مردم، خبرگان رهبری را انتخاب می‌کنند و آنها نیز از میان فقهای واجد شرایط فردی را که اعلم بوده و مقبولیت عامه دارد به رهبری انتخاب می‌کنند. در این رابطه نیز ابتدا خبرگان در باره فقهای واجد شرایط بررسی و مشورت می‌کنند مشروح این شرایط در قانون اساسی [۲] آمده است.

انتخاب رهبری نظام جمهوری اسلامی، توسط خبرگان صورت می‌گیرد، البته انتخاب ولی فقیه به طور غیر مستقیم توسط مردم، شرط وجود است نه شرط وجوب، یعنی هر چند مشروعیت حکومت فقیه از سوی شرع است، ولی تحقق خارجی آن به انتخاب و حمایت مردم است.. به بیان روشتر استقرار حکومت و ولایت فقیه به دو امر ثبوتاً به نصب و نص و اثباتاً به پذیرش جمهور بستگی دارد، یعنی نصب از سوی خداوند است، ولی در مرحله تحقق خارجی منوط به پذیرش مردم است. حاکم اسلامی باید دارای دو ویژگی مشروعیت و مقبولیت باشد تا بتواند بر مردم مسلمان حکومت کند. مشروعیت ولایت و حکومت فقیه از ولایت تشریعی الهی سرچشمه می‌گیرد و اساساً هیچ گونه ولایتی جز با انتساب به نصب و اذن الهی مشروعیت نمی‌یابد [۳].

مجلس خبرگان که وظیفه انتخاب رهبری، نظارت بر عملکرد و دارا بودن شرایط به طور مستمر از سوی رهبر را برعهده دارند، خود توسط مردم انتخاب می‌شوند، بدین ترتیب انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان به طور طبیعی بایستی از شرایط مصرّح در قانون برخوردار باشند.

نمایندگان مجلس خبرگان برای مدت هشت سال انتخاب می‌شوند و نحوه رأی گیری نیز به صورت مخفی و به طور مستقیم است. [۴] بدین ترتیب انتخاب رهبر در جمهوری اسلامی ایران به صورت غیر مستقیم می‌باشد. الکسی دو تکویل [۵] یک امتیاز و برابری برای رأی غیر مستقیم نسبت به رأی مستقیم قائل می‌شود و معتقد است مشاوره‌های متوالی، امکان اخراج اشخاص ناصالح را افزایش می‌دهد، انتخابات دو درجه‌ای موجب یک قسم تصفیه قبلی گردیده و انتخاب کنندگان درجه دوم از یک عده افراد برگزیده تشکیل خواهند شد. در وهله دوم طرفداران طریقه مزبور آن را خیلی مدبرانه، معتدل و بسیار محافظه کارانه تصوّر می‌کنند. [۶] گفتیم که ولایت فقیه به منزله دال مرکزی گفتمان اسلام گرایی نیاز به پردازش و توضیح بیشتری دارد که در این جا به آن می‌پردازیم.

بخش دوم: ویژگی های نظام سیاسی مردم سالار دینی

ایجاد انسجام و توازن بخشی: در نظام‌های دموکراتیک، یکی از شاخص‌های اصلی دموکراتیک بودن تفکیک قواست. ولی عملاً نظامی را سراغ نداریم که در آن، قوا کاملاً از یکدیگر استقلال داشته باشند، اما در نظام جمهوری اسلامی در عین وجود اصل تفکیک قوا، ناهم‌آهنگی وجود ندارد و ولایت فقیه به منزله عاملی هم‌آهنگ کننده با اشرافی که بر قوای حکومتی دارد بین آنها انسجام ایجاد می‌کند

و به مثابه محور نظام از ایجاد بحران جلوگیری می‌کند. [۷] از سویی وجود رقابت بین احزاب و گروه‌ها در جامعه، تعارض‌ها و اختلافات احتمالی را در پی دارد که در این صورت ولی فقیه می‌تواند عامل وحدت بخش و فصل مشترک همه گروه‌ها و نهادهای سیاسی باشد و کارکرد نظام سیاسی را تسهیل نماید و مانع از ظلم اکثریت بر اقلیت و استبداد آنها می‌شود؛ بدین ترتیب به لحاظ نظری و عملی، ولایت فقیه در تعارض با جامعه مدنی و دیگر نهادهای سیاسی نمی‌باشد.

ضمانت اجرایی درونی: این ضمانت اجرایی درونی در پرتو احساس وظیفه شرعی در اطاعت از مقررات دولت و نظام سیاسی به وجود می‌آید. در حالی که در اکثر نظام‌ها قوانین با قدرت و زور بر مردم تحمیل می‌گردد، رهبر به عنوان جانشین امام معصوم از عالی‌ترین مراتب تقوا و شایستگی برخوردار می‌باشد که با ارتکاب کوچک‌ترین گناهی خود به خود از مقام ولایت منزل می‌گردد و خبرگان، تنها نقش اعلام عدم صلاحیت او برای رهبری را دارد، نه این که او را عزل کند. برخورداری از چنین شایستگی‌های اخلاقی در هیچ یک از نظام‌های سیاسی دنیا برای مسئولین وجود ندارد. [۸] تجربه جمهوری اسلامی ایران حاکی از این واقعیت است که جامعه مدنی در این سیستم سیاسی تهدید نشده، بلکه تقویت شده است. تأکید رهبران جمهوری اسلامی بر شاخصه‌های توسعه سیاسی نشانه بارز دیگری در این زمینه است.

تحقق دموکراسی: نظام ولایی، نوعی دموکراسی ویژه و حکومت مردمی خاص است که مزایای دموکراسی را در خود دارد و از معایب آن محفوظ است. در نظام‌های دموکراتیک، مردم، حق رأی داشته و پس از تأملات گسترده، قانون و شخص مجری آن را نیز انتخاب می‌کنند، همه این موارد نیز در نظام ولایت فقیه وجود دارد. مهمترین نقص نظام‌های دموکراتیک در این است که قوانین آنها، ناشی از اندیشه‌های بشری است که گاهی نیز چیزهایی را تجویز می‌کنند که با عقل سلیم مغایرت جدی دارد، اما در نظام اسلامی منشأ قوانین، وحی الهی است. در نظام‌های دموکراتیک، انسان‌ها آزادی کاذب دارند؛ چون خود را از حکم و قید خداوندان می‌دانند، لکن در نظام اسلامی، آزادی انسانی، توأم با مسئولیت در برابر خدا مطرح است، فرد مسلمان نسبت به غیر خداوند آزاد است که خود ناشی از بندگی خداوند است. در این نظام سیاسی، آزادی انسانی و حقوق بشرو حق رأی و انتخاب مسئولین و... وجود دارد و در عین حال، تعالی معنوی انسان نیز محفوظ است [۹].

اختیارات و شرایط دقیق: شرایط ملحوظ در قانون اساسی برای مقام رهبری به مراتب دقیقتر و مناسبتر با مأموریت خطیر وی است، در حالی که در اکثر کشورها هر فردی، صرف نظر از صلاحیت علمی و عملی لازم، صرفاً با کسب اکثریت آراء قدرت را در دست می گیرد.

بخش سوم: انتخاب رئیس جمهور

فصل نهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اختصاص به قوه مجریه و مسائل مربوط به آن دارد. اصل ۱۱۴ می گوید: رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلا مانع است.

داوطلب ریاست جمهوری بایستی از ویژگی هایی چون حسن سابقه، امانت، تقوا و کارایی برخوردار باشد؛ ویژگی هایی که در قوانین سایر کشورها کمتر به آن پرداخته می شود. اصل ۱۱۵ در این رابطه می گوید: رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور. بر اساس اصل ۱۰۷ رئیس جمهور با اکثریت مطلق آرای شرکت کنندگان انتخاب می شود. ویژگی مهم دیگر انتخابات ریاست جمهوری همان طور که در اصل ۱۱۴ گذشت، اصل مستقیم بودن انتخابات است که منظور یک درجه ای بودن آن است که مردم بدون واسطه، رئیس جمهور خود را از میان کاندیداها انتخاب می کنند. حکم ریاست جمهوری پس از تأیید انتخابات و اعتبار نامه رئیس جمهور توسط شورای نگهبان طی مراسمی با امضای مقام رهبری تنفیذ میگردد و بدین وسیله، حاکمیت تشریعی از جانب مقام ولایت بر مظهر حاکمیت مردمی سریان می یابد تا در کنار هم نظام مردم سالار دینی را به سامان برند.

بر اساس قانون، انتخاب کنندگان نیز باید دارای این شرایط باشند: ۱. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. داشتن ۱۵ سال تمام؛ ۳. عدم جنون؛ [۱۰] نظارت بر روند انتخابات نیز بر عهده شورای نگهبان است. قانون اساسی در اصل ۹۹ عنوان «شورای نگهبان» را برای نظارت بر کلیه انتخابات، اعم از مجلس خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و همه پرسی برگزیده است. نظارت شورای نگهبان، نوعی تأکید بر رأی مردم است، در حقیقت مردم با رأی مستقیم به قانون اساسی و رأی

غیرمستقیم به قانون انتخابات بر این روند صحنه گذاشته اند و شورای نگهبان از طرف مردم وکالت دارد تا شرایط و صلاحیت ها را تشخیص دهد نه این که قیم مردم باشد. این هم در همان قانون اساسی آمده است که مردم با رأی مستقیم خود آن را تأیید کرده اند.

بخش چهارم: انتخابات مجلس شورای اسلامی

در جمهوری اسلامی ایران، محور اساسی حاکمیت ملت از طریق نمایندگان اعمال می گردد. مجلس شورای اسلامی، نقش بسیار مهمی در اداره کشور دارد که علاوه بر قانون گذاری، وظایفی چون رأی اعتماد به وزراء، سوال، تذکر و استیضاح رئیس جمهور و وزراء، تصویب بودجه کل، تحقیق و تفحص در تمام امور کشور و ده ها وظیفه مهم دیگر که در اصل ۱۷۱ به بعد به آن اشاره شده است، نظام جمهوری اسلامی ایران را می توان نظام نیمه پارلمانی و نیمه ریاستی دانست. عزل رئیس جمهور راساً در حوزه اختیارات مجلس نمی باشد و این امر نیازمند به رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی و سپس عزل رئیس جمهور توسط رهبر می باشد. از سویی انحلال مجلس در جمهوری اسلامی نیز پیش بینی نشده است، [۱۱] و این از امتیازات نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود، چرا که در بسیاری از کشورها این حق به رئیس حکومت داده شده است.

قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران در یک تعبیر کلی، دارای دو رکن است:

۱. مجلس شورای اسلامی که به طور مستقیم برای چهار سال با رأی مخفی انتخاب می شوند؛

۲. شورای نگهبان که برای شش سال انتخاب می شوند [۱۲].

در قوانین تمامی کشورها شرایط و محدودیتهایی را برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان قائل شده اند. نظام انتخاباتی کشورمان نیز از این امر مستثنا نیست و شرایط و محدودیتهایی را در نظر گرفته است. بر اساس ماده ۲۷ قانون انتخابات ایران مصوب ۷۹/۸/۲۵ شرایط ذیل برای انتخاب کنندگان در نظر گرفته شده است:

۱. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. ۱۵ سال تمام، ۳. محجور نبودن (عاقل بودن)

قوانین انتخاباتی اکثر کشورها شرایط دشواری را برای انتخاب شوندگان مشخص کرده اند، زیرا

نمایندگان پارلمان شخصاً در اداره کشور و اجرای حق حاکمیت ملی شرکت می کنند، لذا باید دارای صلاحیت بیشتر و تضمینات کافی در قبال مسئولیت سنگینی که بر عهده می گیرد، باشد. این محدودیت ها معمولاً ناشی از ملاحظات فنی و اجتماعی می باشد. انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام بر اساس ماده ۲۸ قانون باید از شرایط زیر برخوردار باشند: ۱. مسلمان بودن (اعتقاد و التزام عملی به اسلام)؛ ۲. ابزار وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فرم ثبت نام؛ ۳. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛ ۴. داشتن حداقل ۳۰ سال و حداکثر ۷۵ سال سن؛ ۵. حداقل مدرک فوق دیپلم یا معادل آن؛ ۶. سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی. در ضمن اقلیت های دینی مصرح در قانون اساسی از بند مسلمان بودن مستثنا هستند و باید به دین خود اعتقاد داشته باشند.

بر اساس اصل ۹۹، نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی و نیز تعیین صلاحیت داوطلبین بر اساس قانون بر عهده شورای نگهبان می باشد و پس از راهیابی نمایندگان به مجلس، بایستی اعتبار نامه آنها به وسیله اعضای مجلس به تصویب برسد، این فرایند ساز و کاری برای جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به مجلس می شود، به عبارتی هرگاه اراده جمعی نمایندگان پس از تحقیق و بررسی در سوابق منتخبان مردم به عدم صلاحیت فردی منجر شد، نمایندگان با عدم تصویب اعتبار نامه وی، از ورود او به مجلس ممانعت به عمل می آورند.

بخش پنجم: انتخابات آزاد و منصفانه، شاخصه ای از مردم سالاری اسلامی

یکی از مهم ترین مصادیق آزادی سیاسی و دموکراسی، آزادی انتخاب حاکم و حکومت و حق رای مردم در تاسیس حکومت و انتخاب حاکم است و انتخابات آزاد با بحث مشروعیت سیاسی و مقبولیت مردمی، ارتباط وثیقی پیدا می کند که به طور برجسته ای در آراء و اندیشه ها و سیره عملی امام علی (ع) منعکس شده است. هر چند که مشروعیت حکومت از دیدگاه امام، جنبه الهی دارد، اما بی تردید در اندیشه ایشان، رای مردم تاثیر زیادی در مشروعیت حکومت و تحقق آن، ایجاد می کند.

فرازهای متعددی از نهج البلاغه اشارات وسیعی به انتخاب مردم و نقش آنان در بیعت با حضرت دارد که از باب جدلی است نه احتیاج امام به نشان دادن نقش مردم در این بیعت.

امروزه در ادبیات سیاسی جهان؛ انتخابات آزاد و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، از مهم ترین ابزارهای حکومت های دموکراتیک است. به حکم ضرورت عقلی، مدنیت جامعه و جامعه مدنی، در گرو ظهور و وجود تشکیلات مقتدر حکومتی است و مردم در این رهگذر مکلف به ساختن چنین بنایی هستند. این مقاله کوششی است برای پاسخ دادن به سوالات زیر:

۱- معنای دموکراسی، سابقه آن و مصادیقش چیست؟

۲- معنای بیعت و سابقه آن در صدر اسلام چه بوده است؟

۳- آیا ماهیت حقوقی بیعت همان ماهیت حقوقی رای دادن در دموکراسی های رایج است؟

۴- آیا دموکراسی مبتنی بر رای با نظام سیاسی اسلام که مبتنی بر بیعت و شورا است، دارای ماهیت یکسانی است؟

۵- مصادیق انتخابات آزاد، در بیعت با حضرت علی (ع) چه مواردی را شامل می شود؟

بخش ششم: مفهوم مردم سالاری (دموکراسی) و سابقه آن در جهان

مردم سالاری معادل واژه انگلیسی و کراسی Democracy است. معادل یونانی آن دموکراتوس Demokratos مرکب از دموکراس به معنای مردم و کراتیا به معنای حاکمیت است که بر روی هم حکومت مردم معنی می شود. مردم سالاری عبارت است از "حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خود". بیات در بیانی دیگر می نویسد "حقی است که شهروندان یک کشور برای مشارکت آزادانه، در تصمیم های سیاسی و برخورداری از فرصت های مساوی در امور اجتماعی دارند". وسیع ترین معنای مردم سالاری عبارت است از "شیوه زندگی جمعی با جامعه ای که در آن به افراد حق داده می شود برای مشارکت آزادانه از فرصت های مساوی برخوردار باشند". (بیات، ۱۳۸۱، ص ۲۷۱). مردم سالاری یعنی حکومت مردم توسط مردم برای مردم" (قاضی، ج ۱، ۱۳۶۱، ص ۷۵۸). مدیر شانه چی دموکراسی را "حاکمیت اکثریت می داند که به معنای بیش از نصف است. (مدیر شانه چی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۱) اولادی معنای دموکراسی را بر خورداری افراد جامعه از آزادی و ارزش های اجتماعی یکسان می داند که در معنای محدود آن شرکت آزادانه و مشارکت مردم در کنترل سیاسی جامعه یا

همان تعلیمات سیاسی جامعه به طور مستقیم یا غیر مستقیم است " (اولادی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۰)

سابقه تاریخ حکومت های مردم سالار و مختصات آن دموکراسی دارای دو مرحله تاریخی است:

۱-مردم سالاری مردم آتن در یونان سده ۵ ق. م که شهروندان به جز زنان و بردگان در امر حکومت و امور سیاسی اجتماعی و وضع قوانین مشارکت مستقیم داشتند. در ۵۱۰ ق.م در آتن شهروندان به شکل مستقیم یا بر اساس نظام پارلمانی منتخب، مشارکت داشتند، که در سال ۳۲۲ ق. م توسط فاتحان مقدونی این شیوه حکومتی سرنگون شد. (ماله، بی تا، ص ۲۵۳ بدال، ۱۳۷۶، ص ۱۵).

در رم نیز دموکراسی در قالب حکومت جمهوری متولد شد که پولیپ Polipe نویسنده یونانی تاریخ رم می نویسد " نظام جمهوری آن کشور از سه عنصر شاهی (کنسول ها) ، اشرافی (سنا) و دموکراسی (مجالس مردم) شکل گرفته بود. در حوالی ۱۱۰۰ م. در ایتالای شمالی حدود دو قرن ظاهر و در اواسط قرن ۱۴ م. به استبداد منجر شد. (هلد، ۱۳۷۹، صص ۵-۴۳).

۲- دموکراسی جدید که با پروتستانیسیم یا رفورماسیون دینی شروع شد، در این حرکت به فرد بها داده شد و او داور رفتارهای خود در پیشگاه خدا قرار گرفت. (آربلاستر، ۱۳۷۹، ص ۳۲). جان لاک John Locke در کتاب پدرسالاری در مخالفت با رابرت فیلمر Rabert Philmer که از قدرت طبیعی پادشاهان دفاع می کرد، این وضعیت را آخرین مانع ورود به جامعه مدنی دانسته و نظریه فیلمر را که با استناد به حضرت آدم (ع) حق الهی سلطنت را مطرح و آزادی های انسانی را نفی می کند، رد کرده است. لاک می گوید " هیچ کس حق سلطه بر دیگری را ندارد و حکومت امانت مردم در دست دولت است". (شریعت، ۱۳۷۹، صص ۷-۸). دموکراسی قرن ۲۰ نتیجه لیبرالیسم قرن ۱۹ است که ریشه در رنسانس دارد نه دموکراسی دولت شهرهای یونان.

ویژگی های مهم نظام های دموکراتیک عبارت است از:

۱-مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود؛

۲-برابری تمام افراد جامعه در برابر قانون و وابستگی قدرت به اراده قانون

۳-مشروعیت قدرت در حاکمیت، مبتنی بر رای اکثریت؛

۴- احترام به آزاد های فردی - سیاسی - عقیدتی و تضمین حقوق مردم به وسیله قانون در جامعه

۵- اطاعت از قوانین بر آمده از خواست اکثریت

۶- آزادی مطبوعات و احزاب و نقش آنها در رقابت های سیاسی؛

۷- نظارت بر اعمال حاکمان و امکان استیضاح آنان؛

۸- اعمال دموکراسی سیاسی به معنای حاکمیت اکثریت یا نصف به اضافه یک رای دهندگان بر امور جامعه است.

دموکراسی با ساز و کار کنونی آن پدیده ای نو و برآمده از مناسبات دوران مدرن است. گرچه دولت شهرهای یونان شاهد نخستین تجربه های مشارکت مستقیم مردم در تصمیم گیری های کلان اجتماعی و سیاسی بوده و از این رو برخی این دولت شهرها را نخستین خاستگاه مفهوم دموکراسی می دانند، اما این سیستم حکومتی دچار انقطاع تاریخی شد. تا آنکه در روزگار معاصر، دموکراسی د رسیمای متفاوت و در پی تحولات پس از رنسانس سر بر آورد. نظام های دموکراتیک معاصر غربی ریشه در تلقی جدید از دموکراسی دارند که بر رای گیری و سیستم نمایندگی استوار است.

بیعت و شورا مهم ترین عناصر تاریخی مذهبی مرتبط با مضامین شناخته شده دموکراسی قلمداد می شوند، چون این دو مظهر آشکار دخالت و مشارکت مستقیم مردم و تاثیر گذاری آنان در زمینه قدرت سیاسی و جنبه های کلان اجتماعی بودند. این واقعیت که در دنیای معاصر، گونه ها و مدل های مختلف دموکراسی نظیر سوسیال دموکراسی لیبرال دموکراسی - دموکراسی تکثرگرا و دموکراسی نخبه گرا، وجود دارد، بیان گر این است که تلقی یکسان و مشترکی از دموکراسی وجود ندارد. در دموکراسی های موجود و بالفعل معاصر، مردم از طریق رای و سیستم نمایندگی در وضع قوانین و تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی سهیم می شوند و با رای مستقیم خود به مدیر اجرایی - رئیس جمهور با نخست ویر - در انتخاب صاحبان اقتدار سیاسی مشارکت می کنند.

بخش هفتم: معنای بیعت و سابقه آن در صدر اسلام

بیعت نوعی معاهده و پیمان و عقدی است که پیش از اسلام در میان قبایل عرب مرسوم بوده، بنابراین

از مفاهیم امضایی اسلام است که سیره رسول گرامی اسلام به آن مشروعیت بخشیده است. بیعت و بیع در مصدر فعل باع است. از این رو معنای بیعت، تناسب زیادی با معنای بیع دارد که نوعی عقد معامله و خرید و فروش است. به تعبیر ابن خلدون "بیعت همان پیمان فرمان بری و اطاعت بستن است که بیعت کننده با امیر خویش پیمان می بندد که در امور مربوط به خود و مسلمانان، تسلیم نظر وی باشد و در هیچ چیز از امور مزبور با وی به ستیز بر نخیزد و تکالیفی که بر عهده وی می گذارد، اطاعت کند، خواه تکلیف به دلخواه او باشد، خواه بر خلاف میل او". (ابن خلدون، ۱۳۷۳، ص ۲۰۰).

بیعت میان رئیس یک قوم با جامعه و افراد آن منعقد می شود که بر اساس آن افراد بیعت کننده از او اطاعت کرده و امکانات خود را تحت فرمان او قرار می دهند، در عوض او نیز متقابلاً متعهد می شود که مسئولیت و زعامت آنان را بر عهده می گیرد. همان طور که رضایت طرفین در ابتدا بیع، درباره قیمت و سایر شرایط احراز می شود و سپس مفاد معامله، انشاء می گردد، در باب بیعت نیز، ابتدا گفتگو و جلب رضایت در باب شروط است و سپس با دست در دست طرف دیگر نهادن، آنچه مورد گفتگو و رضایت بوده، انشاء می شود. یعنی معاهده و عقد بیعت با این عمل به وقوع می پیوندد (منتظری، ج ۱، صص ۳-۵۲۲).

و از دوره جاهلیت بیعت سنتی رایج بود، مثل بیعت در پیمان حلف الفضول یا زمان پیامبر (ص) پیمان عقبه اول و دوم، بیعت رضوان، و در زمان حضرت علی (ع) دو بار با ایشان بیعت شد: الف- غدیر خم که پیامبر اکرم (ص) امر الهی در نصب حضرت به ولایت را به مردم ابلاغ کرد. ب- پس از قتل عثمان، که با اصرار شدید مردم بیعت انجام شد. بسیاری از جملات حضرت در این مورد در خطبه و نامه های نهج البلاغه نظیر نامه های ۱-۶-۷-۵۴-۵۷ و خطبه های ۸-۲۴-۳۷-۱۳۷-۱۷۲-۲۱۸ و ۲۲۹ آمده است. بیعت دارای شرایط زیر بود:

۱-بیعت کنندگان با آزادی، اختیار و آگاهی در بیعت شرکت می کردند؛

۲-مفاد بیعت نامه کاملاً آشکار و واضح بود؛

۳-بیعت کننده پس از بیعت، حق فسخ آن را نداشت.

شیعه معتقد است با توجه به نص دینی و ادله درباره نصب علی (ع) به خلافت و ولایت بر امت، نوبت

به انتخاب نمی رسد. از این رو صحابه و تمسک به بیعت و شورا نمی توانند مبدأ مشروعیت ولایت سیاسی قلمداد شوند. اهل سنت نیز برای واگذاری قدرت سیاسی و مشروعیت بخشیدن به آن هماره از بیعت استفاده کرده اند و آنان بیعت را یکی از مبادی مشروعیت قدرت سیاسی تلقی می کنند که زمان خلافت شیخین و عثمان نیز به آن تأسی جسته بودند.

پس بیعت، وسیله تحقق حکومت و مقبولیت آن و عامل اجرایی برای برنامه ها و دستورات دولت است. بیعت وسیله انشاء دولت و قطعیت آن است (دلشاد تهرانی، ج ۱، ص ۹۱)

بخش هشتم: مقایسه دموکراسی مبتنی بر رای با نظام اسلامی مبتنی بر بیعت

نقش مردم در حکومت های اسلامی به سه شکل نمایان می شود:

الف - نقش ایجادي: که این نقش را با بیعت اجرا می کنند؛

ب-نقش ابقایی: که با همراهی، مشارکت و اطاعت در صدد ایفای آن بر می آیند؟

ج-نقش اصلاحی: که با نصیحت، امر به معروف، نهی از منکر، مشورت و استیضاح آن را اعمال می کنند.

تفاوت های بیعت و شورا در اسلام با رأی گیری در نظام دموکراسی بدین شرح است:

۱- چنانچه توضیح داده شد بیعت و شورا نقشی در اعطای ولایت و مشروعیت بخشیدن به امامت ندارد، بیعت تنها اعلام پذیرش، وفاداری و تعهد به اطاعت مردم است و اصرار حضرت نیز در نشان دادن رأی مردم، جنبه جدلی دارد؛

۲- رأی دادن اعلام خواست و اراده افراد است و رأی اکثریت، کاشف از آن است که خواست عمومی مردم چیست. رأی دادن قابلیت تفاسیر مختلف دارد. اما بیعت به لحاظ حقوقی ماهیت مشخص و متعین دارد. تعهدات بیعت کننده نیز مشخص است؛

۳- رأی به منتخب، تولیت سیاسی می دهد و مستندی برای مشروعیت اعمال حاکمیت سیاسی او فراهم می آورد، اما بیعت موجب ولایت نیست. بلکه اعلام پذیرش و تعهد بر همراهی و اطاعت از کسی

است که ولایت سیاسی را در دست گرفته است؛

۴- رای، طریق قدرت گرفتن را نشان می دهد، بیعت اعلام تمکین سیاسی به کسی است که ولایت سیاسی او تثبیت شده است؛

۵- در دموکراسی تمام آحاد مردم تأثیر یکسان در انتخاب و توزیع قدرت سیاسی دارند. شخصیت سیاسی و سوابق رأی دهنده تفاوتی ایجاد نمی کند. اما در بیعت اینکه چه کسانی شرکت کنند، مهم است. (تأکید حضرت بر بیعت مهاجرین و انصار و خبرگان جامعه به همین علت بوده است)؛

۶- رای یک عمل کاملاً اختیاری است و اجباری در اصل رای دادن یا رای ندادن به فرد یا گروه خاصی نیست، اما در بیعت، امتناع از آن نشانه شورش و عصیان است؛

۷- رای تعهد خاص ایجاد نمی کند، اطاعت مدنی و عدم عصیان بر قوانین کشور، واقعیتی پذیرفته شده در تمام دموکراسی های رایج جهان است. حال آنکه بیعت، رنگ خاصی به اطاعت مدنی می بخشد. کسی که با حاکمی بیعت نکند. تعهدی به او نمی سپرد اما در صورت بیعت کردن، در واقع با او پیمان مساعدت و یاری می بندد که امکان نقض آن نیست زیرا پیمان شکنی تلقی می شود.

بخش نهم: بیعت مردم با حضرت علی (ع):

پس از رحلت پیامبر (ص) در سقیفه بنی ساعده با ابوبکر بیعت شد. در این مراسم، جمع محدودی از اجتماع کنندگان او را پس از گفتگوها و جدل های بسیار، انتخاب کردند (بیعت کنندگان به ترتیب عمر - ابو عبیده - بشیر بن سعد - خزر جیان - اسید بن خضیر و اوسیان بودند). (عبد المقصود، ج ۱، ۱۳۵۳، ص ۲۲۹؛ ابی یعقوب، ج ۱، ۱۳۷۴، صص ۳-۵۲۲). و کسانی که بیعت نکردند با زور وادار به بیعت شدند. بیعت با عمر محدود به نظر شخص ابوبکر (به شیوه استخلاف) بود. ابوبکر پس از مشورت با سعید ابن زیاد و اسید بن خضیر و گروهی از انصار و مهاجرین، او را انتخاب کرد و مردم نیز پذیرفتند (فاروقی، ۱۳۶۲، ص ۹۱؛ ابراهیم حسن، ج ۱، ۱۳۷۱، ص ۲۴۱). بیعت با عثمان توسط گروه شش نفره ای انجام شد که عمر آنان را انتخاب کرده بود و قرار شد از بین خودشان و با شرایطی که عمر تعیین کرده بود، یکی را برگزینند. این شش نفر عبارت بودند از علی (ع) عثمان - عبدالرحمان - سعد - زبیر بن عوام و طلحه. اما انتخاب حضرت علی (ع) مختصات منحصر به فردی داشت: پس از

قتل عثمان، مردم به سوی ایشان هجوم آوردند و تقاضای بیعت کردند، امام نپذیرفت. روایات اهل سنت و شیعه در این مورد، تفاوت های کمی دارد (طبری، ج ۶، ۱۳۷۱، صص ۸-۲۳۲۷؛ ابن اثیر، ج ۱، ۱۳۷۱، صص ۴۰-۱۳۷۹). حتی حضرت از شهر مدینه خارج شدند تا شائبه ای از علاقه ایشان به حکومت پیش نیاید و مردم پنج روز بدون خلیفه ماندند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۲۸). چندین بار مردم به امام رجوع کرده و اصرار بر خلافت ایشان داشتند، حتی نزدیک بود امام حسن و امام حسین (ع) زیر پا لگد مال شوند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۶۶۵). اما باز ایشان نپذیرفته و فرمودند "من به خلافت شما حاجتی ندارم، هر کس را انتخاب کنید، من هم به او رضایت می دهم و اگر وزیر باشم بهتر است که امیر باشم و از همه شما (نسبت به او مطيعتر و شنواتر خواهم بود". (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، خطبه ۹۲، ص ۸۵).

حضرت در مکتوبی که سرگذشت خود را پس از رحلت پیامبر (ص) نگاشته، چنین آورده است که رسول خدا (ص) مرا متعهد پیمانی کرده و فرمود: پسر ابی طالب ولایت امتم حق توست، اگر به درستی و عافیت تو را ولی خدا کردند (منظور مردم است و با رضایت در باره تو به وحدت نظر رسیدند، امرشان را بر عهده گیر و بپذیر اما اگر درباره تو به اختلاف افتادند، آنان را به خواست خود واگذار، زیرا خدا راه گشایشی بر روی تو باز خواهد کرد" (طبری امامی، ۱۴۱۵، ص ۴۱۷). ابن ابی الحدید تعبیر دیگری آورده و نوشته "پیامبر (ص) فرمود: امرشان را (حکومت) بر عهده گیر و گرنه خود را به کناری فرود آرو آنان را واگذار" (ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ۱۳۷۸، ص ۳۳۶؛ جرداق، ج ۲، ص ۲۸۸) و یکی از سفارشات حضرت به والیان خود نیز همین بود (نهج البلاغه، خطبه ۹۲). اما حضرت از پذیرفتن خلافت امتناع کرد حتی علی رغم سفارش پیامبر (ص). به راستی علت این امتناع چه بود؟ دلایل مهمی که در این راستا ارائه شده عبارت است از:

۱- تغییر اوضاع و شرایط جامعه: مردم در طول خلافت خلفای سه گانه، به زیاده ستانی از بیت المال و اسراف و تبذیر عادت کرده بودند، پس پذیرش عدل و مساوات حضرت بر ایشان ناگوار بود.

۲- اگر امام بلافاصله خلافت را می پذیرفتند، به شایعات مبتنی بر نقش ایشان در قتل عثمان و یا علاقمندی به خلافت، صحنه گذاشته می شد؛

۳- احساس امام این بود که مردم سالیان سال پس از رحلت پیامبر (ص) از تعلیمات ایشان دور شده اند

و باز گردان آنها به راه راست، سخت خواهد بود؛

۴- امتناع حضرت، ایشان را در موقعیت محکمتری قرار می داد، چنانچه توانستند برای مردم شرط بگذارند؛ ۵- مخالفت امام باعث شد تقاضای مردم و رغبت آنان به بیعت با ایشان تشدید شود.

۶- نویسنده منهاج البراعه در شرح نهج البلاغه می نویسد " امتناع حضرت باعث شد که با مردم اتمام حجت کند و بگوید در صورت پذیرفتن خلافت، مطابق میل آنان رفتار نکرده و بین مردم تبعیض نخواهد گذاشت " (موسوی، ۱۴۱۸)؛

۷- ابن میثم مخالفت امام را "نگرانی ایشان از حوادث آینده و پیمان شکنی بعضی از عناصر نامطلوب می داند". (ابن میثم، ج ۲، ۱۳۷۵، خطبه ۸۹ ص ۸۰۷)

مصادیق حاکمیت مردم سالاری و انتخابات آزاد در ماجرای بیعت با امام:

۱- امام حق انتخاب امیر را فقط برای مردم قایل بود نه شخص یا گروه جدا از مردم و می فرماید: "ای مردم این حکومت شما راست، برای هیچ کس حتی در آن نیست، مگر کسی که خودتان آن را امیر کنید. ما شامگاه دیروز با قراری از هم جدا شدیم (هم اکنون) اگر میخواهید به کار شما می نشینم و گرنه از هیچ کس ناراحت نیستم " (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، خطبه ۴۰، ص ۳۹، خطبه ۱۶۵ و ۱۶۷ و نامه ۱ و ۷۹)؛

۲- رای به امام باید در مسجد و محل تجمع همگانی انجام می شد: امام فرمودند " رای من نباید مخفی باشد، باید در مسجد صورت بگیرد، مسجد رسول ال.. (ص)" که مهم ترین مرکز تجمع مسلمان در آن زمان بود؛ (طبری، ج ۶، ۱۴۱۵، صص ۲۳۲۷-۸؛ بلاذری، ج ۲، ۱۴۱۷، ص ۲۱۰؛ اندیشه سیاسی در گفتمان علوی، ج ۳، ۱۳۸۴: ص ۲۶۵)

۳- بیعت مردم با امام، بیعت ناگهانی نبود (مثل ابوبکر) بلکه با تعمق و آگاهی صورت گرفت: (پس از پنج روز) امام می فرماید: " بیعت شما با من بی مطالعه و ناگهانی نبود، کار من و شما یکسان نیست. من شما را برای خدا می خواهم و شما مرا برای خود می خواهید؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶، ص ۲۲۵؛ اندیشه سیاسی در گفتمان علوی، ج ۳، ۱۳۸۴: ص ۲۶۶)

۴- اعتقاد به رای اکثریت: امام می فرماید: "اگر شرط انتخاب رهبر، حضور تمامی مردم باشد، هرگز راهی برای تحقق آن وجود نخواهد داشت، بلکه آگاهان دارای صلاحیت و رای و اهل حل و عقد (خبرگان ملت)، رهبر و خلیفه را انتخاب می کنند که عمل آنها نسبت به دیگر مسلمانان نافذ است. آنگاه نه حاضران بیعت کننده حق تجدید و نه آنان که در انتخاب حضور نداشتند، حق انتخاب دیگر را نخواهند داشت" (همان، خطبه ۱۷۳، ص ۶۶۷؛ نامه ۶ نهج البلاغه، ص ۴۸۵؛ و تمامی خبرگان و جماعت انصار و مهاجر که مهم ترین مردم بودند، در این بیعت شرکت داشتند (طبری، ج ۵، ۱۳۷۱: ص ۷؛ اندیشه سیاسی در گفتمان علوی، ج ۳، ۱۳۸۴: ص ۲۶۹)

۵- تعهد امام به مردم در زمان عقد بیعت بسیار آزاد منشانه و متعالی است. ایشان در مسجد هنگام بیعت فرمودند: "خلافت شما را خوش نداشتم، اما اصرار ورزیدید که خلیفه شما شوم. آگاه شوید که بی نظر و مشورت شما عملی انجام نمی دهم، بدانید کلید اموال شما با من است، ولی بی نظر شما یک درهم از آن بر ندارم" (ابن اثیر، ج ۲، ۱۳۷۱، ص ۳۰۴؛ اندیشه سیاسی در گفتمان علوی، ج ۳، ۱۳۸۴، ص ۲۶۵) عمار یاسر به حضرت فرمود: مردم با شما از رضا و اختیار بیعت کردند پس به دنبال اسامه بن زید - حسن بن ثابت - کعب بن مالک - محمد بن مسلمه بفرست و از آنها بخواه همانند مهاجران و انصار بیعت کنند (اندیشه سیاسی در گفتمان علوی، ج ۳، ۱۳۸۴، ص ۳۵۱)

۶- بیعت آزاد و بدون اعمال جبر و زور بود: از هیچ کس از افرادی که بیعت نکردند، به زور بیعت گرفته نشد (بر خلاف زمان ابوبکر) امام می فرماید: "مردم بدون اکراه و اجبار بیعت کردند" (منقری، ۱۳۸۲، ص ۶۵) سعد ابن ابی وقاص بیعت نکرد امام فرمود: "مانعی ندارد". عبد الله بن عمر بیعت نکرد امام فرمود: "او را رها کنید" (بلاذری، ج ۳، ۱۴۱۷، صص ۸-۹) حضرت در نامه ای به مردم کوفه نوشت: مردم بی هیچ اجباری با من بیعت کرده اند. (نهج البلاغه: نامه اول؛ ثقفی کوهی اصفهانی، ج ۱، ص ۳۰۱)

۷- بیعت در روز تعطیل مسلمانان (جمعه با صبح آدینه) و در محل تجمع مسلمانان (مسجد رسول...) برگزار شد. یک اجتماع با شکوه و عظیم از تمام طبقات مسلمانان؛

۸- بیعت کامل العیار و همه جانبه بود: مردم در بیعت با ایشان هجوم و فشار آوردند حضرت می فرماید: "روز بیعت، فراوانی مردم چون یال های پر پشت کفتار بودند، از هر طرف مرا احاطه کردند تا نزدیک

بود حسن و حسین (ع) لگد مال کردند. مردم چون گله های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند " (نهج البلاغه، خطبه سوم، ص ۴۷) و یا در جای دیگر فرمودند: " مردم همانند شتران تشنه ای که بر لب آب نزدیک شده و ساربان رهاشان کرده و عقال از آنها گرفته، بر من هجوم آوردند و به یکدیگر پهلوی می زنند و فشار می آوردند، گمان کردم مرا خواهند کشت " (همان، خطبه ۵۴، ص ۱۰۵ و خطبه ۱۳۶).

بخش دهم: سیری در نظام انتخاباتی مدرن و دموکراتیک ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه

همان طور که گذشت نظام جمهوری اسلامی حول دال مرکزی ولایت فقیه شکل گرفته و شکل ویژه و منحصر به فردی را ارائه نموده است. آثار گفتمان اسلام گرایی بر سراسر نظام انتخاباتی ایران از جمله شرایط منتخبین و متخّبین مشاهده می شود، گفتمان لیبرال دموکراسی آثار متفاوتی بر نظام انتخاباتی خود میگذارد که تفاوت های جدی با گفتمان اسلام گرایی دارد، در عین حال در هر دوگفتمان شباهت هایی به چشم می خورد بدین صورت که در هر دو نظام انتخاباتی شرایط ومحدودیت هایی برای انتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان قائل شده اند، در هر دو نظام انتخاباتی، مراجعی برای نظارت بر انتخابات وتعیین صلاحیت داوطلبین و نیز مطابقت تمامی قوانین با قانون اساسی و اصول پذیرفته شده آن وجود دارد؛ به عبارتی به لحاظ شکلی هر دو نظام انتخاباتی شباهت های زیادی با هم دارند، لکن به لحاظ محتوایی و با توجه به دال مرکزی در هر دو گفتمان که تبعات خود را دارند، تفاوت های عمده ای را شاهد هستیم. بدین ترتیب مناسب دیدیم نظام انتخاباتی سه مدل عمده ی لیبرال دموکراسی (ریاست جمهوری در آمریکا، پارلمانی در انگلستان ونیمه ریاستی نیمه پارلمانی در فرانسه) را مختصراً بررسی نماییم.

بخش یازدهم: نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا

بند اول: ایالات متحده آمریکا

انتخاب رئیس جمهور در ایالات متحده آمریکا دو درجه ای است؛ بدین معنا که هیئت هایی به نام هیئت انتخاب کنندگان [۱۳] توسط مردم در سطح ایالات انتخاب می شوند و سپس این هیئت ها در ایالات جداگانه به انتخاب رئیس جمهور و معاون او می پردازند و تعداد افراد هر یک از هیئت ها برابر با مجموع

نمایندگان آن ایالات در مجلس سنا و مجلس نمایندگان خواهد بود که جداگانه به نامزد خود برای مقام ریاست جمهوری و معاونش رأی می‌دهند، بدین ترتیب در مرحله اول که غیررسمی می‌باشد اعضای دو حزب جمهوری خواه و دموکرات نامزدهایی برای احزاب مقام ریاست جمهوری و معاونت وی از بین شخصیت‌های مهم حزبی به مردم معرفی می‌کنند، لذا مبارزات انتخاباتی را که به وسیله نامزدهای رسمی ریاست جمهوری و معاون او رهبری می‌شود، رسماً آغاز می‌کنند. اعضای احزاب در هر ایالت باید نمایندگان خود را برای «هیئت انتخاب کنندگان» برگزینند. در مرحله دوم که رسمی و قانونی می‌باشد هر ایالت به تعداد نمایندگان و سناتورهای خود در کنگره، افرادی را برای عضویت در هیئت انتخاب کنندگان برگزیند. از ۱۸۶۸م در تمام ایالات آمریکا هیئت انتخاب کنندگان با رأی مستقیم مردم و با اکثریت نسبی آرا در نخستین روز سه شنبه نوامبر، انتخاب می‌شوند. و چون نمایندگان هر یک از احزاب در این هیئت‌ها متعهد و ملزم هستند که پس از انتخاب شدن به نامزدهای رسمی حزب رأی دهند و از سویی حزبی که در انتخاب هیئت انتخاب کنندگان یک ایالت حائز اکثریت باشد کلیه آرای آن ایالات را به خود اختصاص داده، به تعداد کلیه اعضای هیئت در آن ایالت به نفع نامزد حزب خود رأی دارد، بدین ترتیب به محض این که هیئت‌های انتخاب کنندگان برگزیده شوند از روی تعداد اعضایی که هر یک از احزاب در هر یک از ایالات در هیئت‌های انتخاب کنندگان دارند، میتوان دریافت که کدام یک از نامزدهای رسمی مقام ریاست جمهوری و معاونش در انتخابات همگانی برنده شده است. در مرحله سوم که انتخابات رسمی در دومین چهارشنبه ماه دسامبر صورت می‌گیرد، چون اعضای «هیئت انتخاب کنندگان» طبق التزام قبلی به نامزد رسمی حزب خود رأی می‌دهند و نتیجه از پیش معلوم است، مردم از این مرحله انتخاب همگانی استقبال چندانی نمی‌کنند، بدین ترتیب در عمل و به لحاظ سیاسی، انتخابات رئیس جمهور صورت یک درجه‌ای پیدا می‌کند. [۱۴] در حقیقت، مردم هر ایالت، نظر خود را برای لیست «انتخاب کنندگانی» که برای کاندیدای مورد نظر خود از طرف احزاب اقامه شده، اعلام می‌کنند، در نهایت انتخاب کنندگان به جای مردم به نامزد ریاست جمهوری رأی می‌دهند، از این دو در مجموع ۵۳۸ انتخاب کننده اعضای کالج‌های انتخاباتی را که در ایالات‌های پنجاه گانه تشکیل شده و وظیفه نهایی انتخاب رئیس جمهور را برعهده دارند تشکیل می‌دهند، لذا اکثریت آرای مستقیم مردم رئیس جمهور را به کاخ سفید نمی‌فرستد، بلکه اکثریت آرای ایالات در قالب «کارتهای الکترال» جدای از ایالات‌های دیگر در این بازی سرنوشت ساز نقش آفرین می‌باشد [۱۵].

قصد نویسندگان قانون اساسی امریکا این بود که انتخاب رئیس جمهور از مداخله و نفوذ مستقیم مردم برکنار باشد و انتخاب او در صلاحیت گروهی معدود از برگزیدگان به نام «هیئت انتخاب کنندگان» قرار گیرد، برای حفظ ظاهر قانون اساسی، صورتی از «هیئت انتخاب کنندگان» که در صدر آن، نام نامزد مقام ریاست جمهوری و معاون وی قید گردیده است به وسیله حزب تهیه می شود و مفهومش این است که هرگاه این افراد برگزیده شوند، ملزم هستند که به نامزدهای حزب رأی بدهند. بدین ترتیب آرای اقلیت ولو با فاصله بسیار کمی از آرای اکثریت قرار گرفته باشد، به حساب نخواهد آمد. [۱۶] در آمریکا سرمایه گذاری برای انتخابات نقش اساسی دارد، و همه چیز بر محور دلار می چرخد به گونه ای که کسی بدون تأمین هزینه های سنگین آن به خصوص هزینه های تبلیغاتی آن نمی تواند حتی قدمی پیش رود، تا زمان مرحله انتخاب نامزد ریاست جمهوری و نامزد معاون ریاست جمهوری در کنوانسیون هر حزب، تمام هزینه ها بر عهده شخص نامزد و اطرافیان می باشد [۱۷].

رئیس جمهور در ایالات متحده آمریکا دارای اختیارات فراوانی است و آخرین مرجع صدور دستورات مهم است، وی هم ریاست دولت و هم ریاست حکومت را بر عهده دارد. در سیستم انتخاباتی این کشور، رئیس جمهور الزاماً بر مبنای اکثریت آرا یا نصف به علاوه یک آرا به کاخ سفید راه پیدا نمی کند. در برخی موارد، نامزد حائز اکثریت آرا در پشت درهای بسته کاخ ریاست جمهوری باقی می ماند [۱۸].

نظام انتخاب رئیس جمهور در آمریکا، همواره مورد انتقاد صاحب نظران بوده است. یکی از ایرادها روش تعیین نامزد مقام ریاست جمهور توسط مجامع حزبی است که آزادی عمل مردم در انتخاب افراد مورد نظر خود، سلب می شود. ایراد دیگر عدم تناسب بین هیئت انتخاب کنندگان ملی (تمام کشور) و هیئت انتخاب کنندگان ایالتی است، به طوری که ممکن است شخصی اکثریت مطلق آرای ملت را به دست آورد و باز هم به ریاست جمهوری انتخاب نشود و یک شخص با کسب آرای هیئت های انتخاب کنندگان ایالات کوچکتر آمریکا در انتخابات رئیس جمهوری پیروز شود. چنان که در ۸۷۶ روترفوردو در ۱۸۸۸ بنیامین هارسیون و در سال ۲۰۰۰ جورج بوش رقبای خود را علی رغم رأی بیشتر رقبا شکست دادند [۱۹].

از دیگر انتقادات وارده بر این سیستم انتخاباتی، دخالت رئیس جمهوری در امر قانون گذاری است.

بخش سوم از اصل دوم قانون اساسی آمریکا می گوید:

رئیس جمهوری هر از چندگاه گزارشی درمورد وضعیت ایالات متحده به کنگره ارائه می کند و اقدامات و مقرراتی که ضروری و مقتضی تشخیص دهد برای ملاحظه اعضای سنا پیشنهاد مینماید. وی می تواند در مواقع اضطراری، هر دو مجلس یا یکی از آنها را [برای تشکیل جلسه] فراخواند و در صورت [بروز] اختلاف در مورد دوره فترت، آنها را تا هر زمان دیگری که مناسب بداند تعطیل کند [۲۰].

بدین ترتیب با توجه به موقعیت و اختیارات گسترده رئیس جمهوری در این کشور، ادعای حاکمیت اصل تفکیک قوا به شکل مطلق در این کشور قابل قبول نیست. در زمینه قانونگذاری، رئیس جمهور دارای قدرت بسیاری است. از جمله نظارت تأمه وی بر اجرای قوانین که برای دستیابی به این هدف «دستورهای اجرایی» صادر می کند. براساس قانون اساسی، قضات دیوانعالی فدرال، توسط رئیس جمهوری، برای مدت مادام العمر منصوب می شوند تا استقلال آنها تأمین و تضمین گردد. [۲۱] اهمیت این مسئله در این است که نظارت بر قوانین در این کشور بر عهده دستگاه قضایی است و دیوان عالی فدرال و دادگاه های این کشور نقش اساسی در باب مطابقت یا مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی به عهده دارند، لذا منتقدین زیادی دخالت قوه قضاییه را در نفس و ماهیت قانون مصوب قوه مقننه خلاف و از آنرو که ممکن است اراده عمومی با نظر شخصی یک قاضی دادگستری که بدون توجه به مقتضیات زمان اعمال سلیقه می کند، مخدوش گردد. از این رو بسیاری از صاحب نظران معتقدند نظام قضایی آمریکا که کنترل قوانین را در اختیار دارد ناقض اصول دموکراسی و حاکمیت اراده ملی است [۲۲].

شرایط انتخاب شدن برای پست ریاست جمهوری در این کشور بسیار ساده و فاقد منطقی قوی می باشد. این شرایط عبارتند از: ۱. شخص متولد در خاک آمریکا و از اتباع آن دولت بوده و دارای سابقه ۱۴ سال سکونت در آنجا باشد؛ ۲. داشتن ۳۵ سال سن. معاون رئیس جمهور نیز باید دارای این شرایط باشد. اما همان گونه که گذشت حاکمیت دو حزب دموکرات و جمهوری خواه، نیل به این پست را برای افراد عادی دست نیافتنی نموده است.

کنگره ایالات متحده آمریکا نیز شامل دو مجلس نمایندگان و سنا است. مجلس نمایندگان نماینده مردم و مجلس سنا نماینده ایالات است. تعداد سناتورهای ایالات با یکدیگر مساوی، و تعداد نمایندگان مجلس

نمایندگان متناسب با جمعیت ایالات است. نقش سنا جلوگیری از تجاوز احتمالی به حقوق دولتهای فدراسیون و رفع اختلافات بین آنهاست. مدت نمایندگی در مجلس سنا شش سال است که در هر دو سال نسبت به یک ثلث اعضای آن (۳۲ سناتور) همزمان با انتخابات مجلس نمایندگان تجدید می شود. مدت مجلس نمایندگان دوسال است که عمومی، مستقیم و مخفی صورت می گیرد. شرایط نامزدی برای مجلس نمایندگان عبارت است از: داشتن ۲۵ سال سن و تابعیت آمریکا از هفت سال قبل و مقیم بودن در ایالتی که هنگام انتخاب شدن شخص در آن جاکود را داوطلب نمایندگی می کند. شرایط نیل به نمایندگی سنا عبارت است از: داشتن ۳۰ سال سن و تابعیت آمریکا از مدت نه سال قبل، و سابقه سکونت در محل انتخابیه، هنگام انتخاب شدن به سناتوری. رسیدگی به صحت انتخابات و اعتبارنامه های اعضای مجالس با خود آن هاست. [۲۳] آنچه در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه با عناوین «شورای نگهبان» و «شورای قانون اساسی» نقش صیانت از قانون اساسی و نظارت بر قوانین را برعهده دارد، دو رکن دوم قوه مقننه محسوب می گردند. در نظام ایالات متحده به «دیوان عالی کشور» سپرده شده که یک نهاد صد در صد قضایی است. گفتنی است که رئیس جمهور در برابر کنگره دارای حق و تو است و میتواند در مواقعی از حق مزبور استفاده کرده، قوانین مصوب کنگره را لغو و باطل نماید [۲۴].

بند دوم: نظام انتخاباتی فرانسه

رژیم سیاسی فرانسه مرکب از رئیس جمهور غیر مسئول از لحاظ سیاسی و یک رئیس حکومت مسئول (نخست وزیر و وزرا) در مقابل مجلس است. در رژیم ریاستی، قوه مجریه یک رکنی است و در آن رئیس جمهور، رئیس کشور و رئیس حکومت می باشد و اعضای کابینه را تعیین و اداره می کند و وزرا در برابر او مسئولیت دارند. مجلس و ریاست جمهوری در برابر یک دیگر دارای ابزارهای فشار هستند و می توانند بر یکدیگر تأثیر گذار باشند. مدل حکومتی در فرانسه نیمه ریاستی نیمه پارلمانی می باشد که ازدورکن تشکیل می شود. رئیس جمهور که به طور مستقیم توسط مردم انتخاب می شود دارای اختیارات گسترده ای می باشد، نخست وزیر و وزرا که منصوب رئیس جمهور می باشند در برابر پارلمان پاسخگو هستند و پارلمان می تواند با عدم رأی اعتماد یا مصوبه ای سیاسی مانع از تشکیل کابینه گردد، البته رئیس جمهور نیز می تواند پارلمان را منحل کند.

شرایطی که قانون برای کاندیداهای ریاست جمهوری قائل شده از این قرار است: ۱. فرد داوطلب باید از صد نفر از نمایندگان مجلس ملی، سنا، شورای اقتصادی و اجتماعی و یا شوراهای ولایتی و شهرداری معرفی نامه داشته باشد؛ ۲. هر داوطلب باید دو هزار فرانک تودیع نماید تا بتواند در مبارزات انتخاباتی شرکت کند. در ضمن مدت ریاست جمهوری هفت سال است و انتخابات با رأی مستقیم و با اکثریت مطلق در دو دور انجام می گیرد. [۳۳] رئیس جمهوری در فرانسه دارای اختیارات گسترده ای است، از جمله این که بر اساس ماده هشت قانون اساسی می تواند بعد از مشورت با نخست وزیر و رؤسای مجلس، انحلال مجلس ملی را اعلام دارد و چنانچه تصمیم به انحلال آن گرفت، انتخابات برای تشکیل مجلس ملی جدید، باید حداقل بیست روز و حداکثر چهار روز بعد از آن انحلال انجام گیرد. [۳۴] ماده هشت می گوید که رئیس جمهور نخست وزیر را تعیین می کند و براساس ماده ۶۵ ریاست شورای عالی قضایی با رئیس جمهور خواهد بود، شورای عالی نه عضو دارد که توسط رئیس جمهور منصوب می شوند. [۳۵] وی همچنین تعدادی از اعضای شورای قانون اساسی را (که به آن خواهیم پرداخت) تعیین می کند. پارلمان فرانسه مرکب از دو مجلس مجمع ملی و سنا است. مجمع ملی دارای ۴۸۵ نماینده است که با رأی مستقیم مردم و به صورت اکثریت، در دو مرحله و برای ۵ سال انتخاب می شوند و مجلس سنا مرکب از ۳۰۵ نماینده است که برای نه سال و به صورت غیر مستقیم از طرف وکلای شوراهای محلی انتخاب می شوند و هر سه سال یک بار، یک سوم آنها تغییر می کند. نقش مجلس سنا تشریفاتی است. مجلس سنا علاوه بر وظایف اصلی خود، نماینده جوامع و سرزمین های مختلف فرانسه نیز می باشد اختیارات پارلمان در جمهوری پنجم بسیار کاهش یافت. پارلمان حق تقدیم طرح هایی برای کاهش یا افزایش بودجه و مالیاتها را ندارد. پارلمان در ظاهر، حق نظارت بر کارهای دولت را دارد ولی با چنان محدودیتی روبه روست که توان ساقط کردن یک حکومت را ندارد. [۳۶] شرایط حضور در پارلمان فرانسه بدین نحو می باشد که هر سناتور باید حداقل ۳۵ سال تمام داشته و تبعه فرانسه باشد. داوطلبین نمایندگی مجلس ملی نیز باید قبل از شروع انتخابات، مبلغ ده هزار فرانک به عنوان ضمانت بپردازند تا بتوانند در مبارزه انتخاباتی شرکت کنند. در صورتی که داوطلب در دور اول یا دور دوم کمتر از پنج درصد آرای کسانی که اسامیشان در لیست انتخاباتی ثبت شده، کسب کند مبلغ مذکور به وی مسترد نخواهد شد. [۳۷] سن رأی دهندگان ۱۸ سال تمام می باشد. کاندیدا هم باید ۳۳ سال تمام داشته باشد. اتباع خارجی با کسب تابعیت فرانسه بعد از پنج سال تابعیت می توانند رأی بدهند و پس از ده سال تابعیت می توانند کاندیدا شوند. [۳۸] رکن دوم قوه

مقننه فرانسه را می‌توان شورای قانون اساسی این کشور دانست که یک نهاد نظارتی می‌باشد. بر اساس ماده ۵۶ این شورا از دو گروه اعضا تشکیل یافته است: گروه نخست عبارتند از: نه نفر که سه نفر آنان را رئیس جمهور و سه نفر دیگر را رئیس مجلس ملی و سه نفر آخر را رئیس مجلس سنا برای مدت نه سال برمی‌گزینند و هر سه سال یک بار سه نفر از این مجموعه جای خود را به سه نفر جدید می‌دهند. گروه دوم عبارتند از: اعضای مادام العمر که شامل کلیه رؤسای جمهور سابق می‌باشد، رئیس شورا نیز از میان همین اعضا از طرف رئیس جمهور منصوب می‌شود. [۳۹] فلسفه وجودی این ارگان بر اساس ماده ۵۸ نظارت بر صحت جریان انتخابات است و بر اساس ماده ۵۹ این شورا می‌تواند در مورد درستی انتخابات پارلمان نیز تصمیم‌گیری نماید و بر اساس ماده ۶۰ مجموعه فرایند رأی‌گیری و همه‌پرسی نیز از نظارت این شورا خارج نیست. وظیفه مهم دیگر این شورا نظارت بر تطابق قوانین عادی با قانون اساسی است. به گونه‌ای که مطابق با ماده ۶۲ قانون اساسی فرانسه، مقرراتی که مغایر با قانون اساسی اعلام گردد نمی‌توانند امضا گردد، تصمیمات شورای قانون اساسی اعتراض‌پذیر نیستند و اجرای آن برای قوای عمومی و مقامات اداری و قضایی، لازم می‌باشد. چیزی شبیه شورای فقهای نگهبان در قانون اساسی ایران، بر اساس ماده ۶۱ قانون اساسی فرانسه مصوبات پارلمان قبل از اجرا باید به تصویب شورای قانون اساسی برسد. در واقع پاسداری از قانون اساسی و به دنبال آن از رژیم سیاسی برعهده شورای قانون اساسی است. [۴۰]

بند سوم: نظام انتخاباتی انگلیس

قوه مجریه در انگلستان مرکب از رئیس حکومت، رئیس دولت، وزیران و کارکنان دولت است. مقام ریاست حکومت در بریتانیا موروثی و مادام العمر و شکل حکومت، پادشاهی مشروطه است. مقام سلطنت، قدرتی بی طرف است که اجرای اقتدارات او را وزیران برعهده دارند. ملکه عالی‌ترین مقام قوه مجریه است. رئیس کلیسا، رئیس عالی نیروی زمینی، دریایی، هوایی و سرچشمه عدالت است و به این اعتبار همه محاکم کشور، دادگاه‌های او هستند. به نام وی امور خارجه، معاهدات و قوانین رهبری اجرا می‌شود. عزل و نصب وزیران، انحلال یا دعوت پارلمان با او می‌باشد، انتصاب اعضای مجلس لردها، اعطای القاب و نشانها و توشیح قوانین نیز با او است، اما سنت بر این است که در غیر موارد استثنایی زیر، اختیارات خود را با آگاهی و مشورت وزیران به وسیله وزارتخانه‌ها و ادارات رسمی اجرا نماید و ملکه یا پادشاه در مواردی می‌تواند بدون مشورت با وزیران اقدام نماید از جمله: ۱. انتخاب

نخست وزیر بدون قید و شرط، زمانی که هیچ یک از احزاب، رهبر شناخته شده‌ای نداشته، یا هیچ یک اکثریت کرسی‌های مجلس عوام را به دست نیاورده باشد؛ ۲. وی حق عزل نخست وزیر را دارد. هرگاه اوضاع در کشور به نحوی باشد که استفاده از اختیارات مزبور را ایجاب کند، نمی‌توان این حق را از وی سلب شده دانست؛ ۳. پیشنهاد انحلال پارلمان با نخست وزیر است، اما پادشاه می‌تواند آن را رد نماید [۲۵].

با آن که استقرار دموکراسی در انگلستان با هدف کاهش قدرت پادشاه بوده، لکن پادشاه هنوز از امتیازات زیادی برخوردار است. وی سمبل وحدت کشور محسوب می‌شود و رسماً در رأس دولت قرار دارد. علاوه بر آن وی از سه امتیاز دانستن، مشاور، و هشدار نیز برخوردار است. در حقیقت اختیارات صوری پادشاه کم نیست. وی همچنین احکام مقام‌های کشوری و لشکری را صادر می‌کند و قوانین پس از توشیح وی، لازم‌الاجرا می‌گردد، البته در عمل اختیارات وی محدود، و مجبور است در تمامی زمینه‌ها از سیاست کابینه پیروی کند. نخست وزیر هم در مقابل شاه مسئول است، زیرا رسماً برگزیده او است، گرچه شاه ناچار از صدور حکم نخست وزیری رهبر حزب اکثریت است. [۲۶]

مقام سلطنت در انگلستان، مظهر وحدت ملی، قدرت و حاکمیت سیاسی تلقی می‌شود، لذا محترم و معتبر می‌باشد. رژیم انگلستان، رژیمی سلطنتی موروثی است که بر اساس قانون وراثت به فرزندان ارشد پادشاه منتقل می‌شود. زنان نیز از حق نیل به سلطنت بهره‌مندند، ولی پس از مردان قرار دارند و برحسب قرابت خود با پادشاه متوفی می‌توانند وارث تخت و تاج شوند. وارث قانونی میبایست پروتستان بوده و با کسی که دارای این مذهب است ازدواج کند و الا از سلطنت محروم می‌شود. پادشاه رئیس مذهب انگلستان است و باید هنگام جلوس بر تخت، سوگند حمایت از این مذهب را یاد کند. نظام انتخاباتی در این کشور به طور مستقیم و مخفی بر پایه نظام اکثریتی و روش تک‌گزینی در یک مرحله صورت می‌پذیرد، یعنی کشور به تعدادی حوزه‌های انتخاباتی بر حسب ملیت‌ها و جمعیت تقسیم شده و کاندیداهایی که در حوزه انتخاباتی بیشترین تعداد رأی را به دست آورند به نمایندگی مجلس انتخاب می‌شوند. در هر حوزه فقط یک نماینده می‌تواند به نمایندگی انتخاب شود، البته این سیستم انتخابات، منعکس کننده واقعی آرای ملت نیست.

شرایط شرکت در انتخابات این کشور از این قرار است: ۱. دارا بودن ۱۸ سال تمام سن؛ ۲. نداشتن پیشینه کیفری، سابقه سکونت در حوزه انتخابیه الزامی است. نامزد انتخاباتی هم باید دارای حداقل ۲۱

سال سن بوده وفادار پیشینه کیفری باشد. داوطلب نمایندگی باید شخصاً نامزدی خود را اعلام کند و برای دریافت مجوز فعالیت انتخاباتی باید ۱۰ نفر از معتمدین، او را معرفی و تأیید کنند - وی بایستی ۱۵۰ میلیون لیره به منزله ودیعه واریز کند تا چنان چه حداقل آرای حوزه انتخابیه را به دست نیاورد، آن مبلغ به نفع دولت ضبط شود [۲۷].

قانونگذاری، ویژه دو مجلس اعیان و عوام است. مجلس اعیان یا لردها، همیشگی، و دوره قانون گذاری ندارد و انتخابی نیز وجود ندارد. انتخاب در آن از طریق توارث با پیشنهاد نخست وزیر یا فرمان پادشاه برای عضویت مادام العمر ممکن می باشد. اشخاصی که در کلیسای انگلستان سمتی دارند و یا جزء مقامات قضایی می باشند از اعضای مجلس لردها هستند. اما اعضای مجلس عوام برای ۵ سال انتخاب می شوند و هر داوطلبی که حداکثر آرا را به دست آورد به نمایندگی آن حوزه انتخاب خواهد شد. مقام سلطنت می تواند این مجلس را به پیشنهاد نخست وزیر منحل کند. از جمله اختیاراتی که مجلس عوام دارد این است که لوایح پولی و لوایح عام به تصویب و موافقت مجلس لردها نیاز ندارد، این لوایح تنها نیازمند تصویب مجلس عوام هستند. لایحه تمدید دوره قانون گذاری پارلمان به بیش از پنج سال، لوایحی که جنبه موقت دارند، لوایح مالیه، طرح ها و لوایحی که نخست در مجلس اعیان عنوان شده باشند، همگی در مجلس عوام تصویب می شوند. نظارت بر حسن جریان انتخابات در اصل با مجلس عوام است که آن را به دادگاه های عمومی تفویض کرده است. دخالت قوه قضاییه در این امر، ضامن صحت انتخابات و استقلال مجلس عوام در برابر مداخلات احتمالی قوه مجریه می باشد. انتصاب مقامات قضایی نیز با مقام سلطنت و در عمل به وسیله نخست وزیر یا قاضی القضاات صورت می گیرد [۲۸].

قدرت واقعی در انگلستان در دست نخست وزیر است که خود ناشی از وجود سیستم دو حزبی و انضباط شدید حزبی می باشد؛ بدین ترتیب رهبر حزب اکثریت از بیشترین قدرت سیاسی برخوردار است. پشتیبانی حزب اکثریت از نخست وزیر و کابینه او عملاً مانع از آن است که نمایندگان پارلمان بتوانند نخست وزیر و وزیران را مورد بازخواست و استیضاح قرار دهند و آنها را از مقام خود برکنار سازند، لذا می توان گفت در انگلستان، مسئولیت سیاسی وزیران عملاً مانند اختیارات پادشاه در حاشیه قرار دارد. هم چنین حق انحلال پارلمان از طرف دولت در این کشور، کمتر به عنوان وسیله اعمال نفوذ و فشار علیه پارلمان به کار می رود، زیرا انضباط حزبی، بهترین وسیله برای جلب اطاعت نمایندگان

پارلمان است و دیگر نیاز به انحلال مجلس پیدا نمی‌شود؛ از این رو دولت از حق انحلال، بیشتر برای تحکیم موقعیت خود استفاده می‌کند و پارلمان انگلستان عملاً در برابر دولت، قدرت مخالفت خود را از دست داده است [۲۹].

بدین ترتیب نظام پارلمانی در انگلستان حاکم است که از نقایص زیادی نیز برخوردار است، لکن برخورداری از قدرت تبلیغاتی، سیاسی، اقتصادی و نظامی مانع از آن می‌شود که این نقایص خود را نشان دهند و در مقابل با برجسته نمودن نقاط ضعف و ایجاد شبهات برای سایر نظام‌های سیاسی توسط قدرتها، نقاط ضعف خود را پوشش می‌دهند. این ابزار گسترده تبلیغاتی حتی در تحمیل مردمان آن کشورها بسیار کاربرد دارد. به قول یکی از اندیشوران:

در غرب، انتخابات آزاد است، ولی زمینه سازی تبلیغاتی‌ای که پیش از آن می‌شود، مردم را چنان مقهور و محدود میکند که بیشترشان بیاراده رأی می‌دهند، این زمینه‌سازی تبلیغاتی برای انتخابات جز به دست قدرت‌های سیاسی مالی امکان پذیر نیست. [۳۰].

به هر صورت مطالعات، بیانگر این حقیقت است که نظام سیاسی و حکومتی در انگلستان، آمیزه‌ای از نهادهای ما قبل دموکراتیک قرون میانه، نظیر پادشاه و مجلس اشراف و کار بست‌های دموکراتیک مدرن است. [۳۱] «در حقیقت، رژیم انگلیسی، کاملاً مخالف سیستم توازن می‌باشد وجود دو حزب که یکی از آنها در پارلمان اکثریت مطلق به دست می‌آورد، اثرش این است که اقتدارات نامحدودی در اختیار این حزب و رئیس آن، یعنی رئیس حکومت در می‌آید [۳۲].

بخش دوازدهم: مقایسه نظارت بر انتخابات منصفانه در کشورهای دموکراتیک مدرن و اسلامی

یکی از اساسی ترین ارکان ساختار حکومت در یک نظام سیاسی قوه مقننه است. در حقیقت پارلمان به عنوان اصلی ترین نهاد قانون گذاری در هر کشور به شمار می رود کار قانون گذاری بر سه امر مهم استوار است. این کارکردها عبارتند از وضع قانون، نظارت و نمایندگی در تصمیم گیری ملی کار قانون گذاری را شکل می دهند. امری که پارلمان را در میان سایر قوا از موقعیت ممتازی برخوردار می سازد.

از این حیث نحوه ی برگزاری انتخابات و متد گزینش نمایندگان تأثیری بنیادین بر کارکرد پارلمان دارد. در این خصوص دولت های مدرن امروزی رویکرد گسترده ای به دموکراسی در شیوه ی حکومت های خود دارند. دموکراسی روشی برای اعمال حکومت مردم بر خود است که کلیه ی شهروندان مستقیم و غیر مستقیم در آن قدرت مشارکت دارند و بر چگونگی عملکرد دولت نظارت می کنند. دموکراسی مجموعه ی اصول و روش هایی است که از آزادی انسان دفاع می کند بنابراین بی تردید نسبت به سایر روش های حکومت سازگاری بیشتری با حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی انسان دارد.

دموکراسی یعنی مردم سالاری و امروزه مفهوم مردم سالاری نهاده شده آزادی است که مقارن با شرکت هر چه بیشتر مردم در شکل گیری قدرت، اتخاذ تصمیمات، انتخاب نمایندگان و راهیابی به قدرت سیاسی است. از این حیث از دموکراسی به عنوان نظام انتخابی یاد می شود که مبتنی بر اصول آزادی و مشارکت متفکرانه و متعهدانه شهروندان در تعیین سرنوشت واقعی سیاسی و اجتماعی خویش می باشد. در این خصوص انتخابات آزاد و دموکراتیک بارزترین تجلی حق تعیین سرنوشت به عنوان حق مشارکت سیاسی جلوه و نمود خارجی پیدا می کند که زیربنای آن منطق مشارکت، برابری سیاسی و حق تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی است. بند سه ماده ی ۲۱ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر اشعار می دارد: اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده ی مردم است، این اراده باید به وسیله انتخاباتی برگزار گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید. از آن جایی که یکی از اصلی ترین اهداف دموکراسی تأمین حقوق و آزادی های بنیادین افراد از جمله حق انتخاب شدن و انتخاب کردن است، بی تردید امر نظارت بر این مقوله از اهمیت دو چندانی برخوردار است. بنابراین تنها نظام نظارت تضمینی که تلفیقی از نظارت پیشینی و رسیدگی پسینی است، ترجمان واقعی فلسفه ی وجودی نظارت را تحقق عینی و عملی خواهد بخشید. از این حیث نظارت بر انتخابات زمانی معنای واقعی پیدا می کند که از یک جهت پیشگیری از وقوع تخلف را داشته باشد و از طرف دیگر جنبه ی پیگیری و تعقیب و ابطال تخلف را دارا باشد. بنابراین نظارت تمام موارد و مراتب مربوط به لزوم صحت انتخابات و درستی نمایندگی و نمایندگان را شامل می شود. نظارت توسط هر نهادی که صورت پذیرد هدف برگزاری انتخاباتی است که منعکس کننده ی خواست و اراده ی واقعی

انتخاب کنندگان باشد و در صورت بروز مفاسد احتمالی در این رقابت سیاسی و سرنوشت ساز، نظارت بر فرایند انتخابات امری ضروری و حافظ صحت و سلامت آن است. فلسفه ی اساسی تعیین ناظر برای انتخابات اجرای صحیح قوانین به منظور جلوگیری از دخالت های غیر قانونی مقامات اجرایی و سیاسی در مراحل مختلف انتخابات و تأمین آزادی واقعی شهروندان در این مشارکت سیاسی برای برگزاری انتخاباتی آزاد و منصفانه است. برای اطمینان از صحت جریان انتخابات که در واقع منعکس کننده ی آرای واقعی مردم در انتخاب نمایندگان می باشد بالتبع تعیین ناظر بر عملکرد مجریان و صحت جریان انتخابات امر لازمی محسوب می شود که این مسأله صرفاً به نظام سیاسی ایران اختصاص ندارد، بلکه در همه کشورهای پیشرو در دموکراسی که چندین سال سابقه ی انتخابات آزاد را با بینش و نگرش فلسفه ی سیاسی تجربه کرده اند نیز موضوعیت دارد.

در این خصوص در نظام سیاسی ایران از جمله وظایف شورای نگهبان که در قانون اساسی به آن تصریح شده است نظارت بر انتخابات است. اصل ۹۹ قانون اساسی با صراحت کامل نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسى را بر عهده ی شورای نگهبان قرار داده است. اما از چگونگی نظارت اعمالی توسط شورا در اصل مذکور سخنی به میان نیامده است و همین مسأله موجب بروز برداشت های حقوقی متفاوت از نوع نظارت شورای نگهبان شده است. شورای نگهبان در زمان برگزاری انتخابات نخستین دوره ی مجلس شورای اسلامی تشکیل نشده بود و از انتخابات میان دوره ای مجلس اول به نظارت بر انتخابات پرداخت. این شورا در اولین اظهارنظر خود در تاریخ ۱۳۶۰/۰۴/۲۸ صلاحیت تعدادی از داوطلبان انتخاباتی را به دلیل داشتن عقاید مارکسیستی و ضد اسلامی رد کرد در انتخابات مجلس دوم شورای نگهبان با برداشت های خاص خود از نظارت صلاحیت ۲۴ نفر را رد و انتخابات ۱۳ حوزه را ابطال کرد. در انتخابات مجلس دوره ی سوم نیز مشکلاتی پیش آمد که به وساطت امام خمینی (ره) موضوع فیصله یافت. در برگزاری انتخابات چهارمین دوره ی شورای نگهبان با تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی بینش و نگرش خود را در قالب تفسیر قانون اساسی نهادینه ساخت. در آستانه ی دوره چهارم رئیس هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان نظر تفسیری شورا را در مورد مدلول اصل ۹۹ قانون اساسی جویا شد. دبیر وقت شورای نگهبان در پاسخ به این درخواست به صورت رسمی طی نامه ی شماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۳۷۰/۰۳/۰۱ اعلام کرد نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام

مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها می شود. تفسیر شورا از اصل ۹۹ ق ۱. محور مباحث مربوط به نظارت بر انتخابات و نظارت استصوابی است. این تلقی نظارت از اصل ۹۹ و رویدی مترتب بر آن موجد مباحث و مناقشات مختلف پیرامون نظارت شورای نگهبان در امر انتخابات شد. پس از این جریانات و قبل از پنجمین دوره ی انتخابات مجلس شورای اسلامی قانون انتخابات را در تاریخ ۱۳۷۴/۰۵/۰۴ اصلاح و عنوان نظارت استصوابی در قالب ماده سه قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به شرح زیر رسمیت یافت.

مطابق ماده سرم نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است. علاوه بر این که شرایط سلبی و ایجابی داوطلبین نمایندگی مجالس بر اساس قوانین مختلف تعریف خاصی به خود اختصاص می دهد، اما مساله ی حضور افراد در رقابت های انتخاباتی در نظام های متفاوت بسته به نظام سیاسی و عوامل اجتماعی و فرهنگی در معرض تفاسیر متفاوت قرار می گیرد. با وجود این باید متذکر شد که اعمال محدودیت ها بر حقوق سیاسی شهروندان تنها در چارچوب قوانین خاص قابل تبیین و تفسیر است و نباید متعارض با حقوق و آزادی های بنیادین افراد قرار گیرد.

از آن جایی که پیوند حقوق داخلی با حقوق خارجی و حل تعارض قوانین و یکسان کردن قواعد حقوقی از جمله اهداف حقوق تطبیقی است که به تطبیق قواعد حقوقی نظام های گوناگون می پردازد. هدف از این مطالعه تطبیقی آشنایی با نحوه نظارت بر انتخابات پارلمان در دو کشور ایران و انگلستان است. لازم به ذکر است که نگارنده گان ضمن توجه به تفاوت های بنیادین نظام حقوقی و سیاسی حاکم بر دو کشور در صدد مطالعه ی وجوه اشتراک و افتراق شیوه ی نظارت و بیان معایب و مزایای احتمالی است. هدف اصلی این پژوهش ارایه ی یک مدل مناسب از نظارت بر انتخابات پارلمان با تأکید بر معیارها و استانداردهای بین المللی انتخابات آزاد و منصفانه و بیان محاسن و معایب موجود در نظام های انتخاباتی دو کشور است. برای تحقق این موضوع تلاش می شود تا با مطالعات تطبیقی به الگوها و شاخصه های مطلوب و کارآمد نظام انتخاباتی دست یابی شود و از آنها در جهت بهبود وضعیت فعلی بهره برداری گردد. در این خصوص طبعاً مطالعه ی مقایسه ای و بهره گیری از تجارب حقوقی انگلستان با پیشینه ی نظام پارلمانی در زمینه ی انتخابات می تواند در تأمین چنین هدفی سهم بسزایی داشته باشد. هدف فرعی این پژوهش بیان محاسن و معایب موجود در نظام های انتخاباتی دو

کشور است.

بخش سیزدهم: اهمیت نظارت و جایگاه آن در انتخابات

نظارت از جمله اموری است که در همه جنبه های اجرایی مطرح می شود. حال این مساله در مورد انتخابات که مبین حق حاکمیت بر سرنوشت است برای افراد، جریانات سیاسی و سرنوشت کشور حساسیت ویژه ای را مطرح می کند .

بند اول: ویژگی های مرجع نظارت

نهاد ناظر بر انتخابات باید از ویژگی هایی برخوردار باشد که اقدامات انجام شده توسط او در نزد افکار عمومی بدور از هرگونه شائبه ی جانبداری از طیف و گروه خاص تلقی شود. در این خصوص علاوه بر ویژگی های استقلال و بی طرفی و ذینفع نبودن در نتیجه انتخابات باید در برابر اعمال انجام شده پاسخگو باشد و بدون تردید ابتکار عمل نهاد نظارت باید قابلیت بازبینی و تجدید نظر را داشته باشد چرا که این مساله خطیر با حقوق مستقیم ملت در ارتباط است.

الف - استقلال و بی طرفی

نهاد ناظر بر انتخابات باید از ابتکار و استقلال عمل لازم برخوردار باشد. عدم وابستگی به احزاب، گروه ها و دولت وقت، لازمه این استقلال است. البته باید بین استقلال و بی طرفی قابل به تفکیک شد. عنصر بی طرفی مستلزم این است که برای دستگاه ناظر هیچ تفاوتی مبنی بر این که چه گروهی در انتخابات پیروز شود، وجود ندارد. عملکرد او بر اساس انجام وظیفه و بدون ترغیب افراد و احزاب به گرایشات خاص است. نهاد ناظر مرکب از افراد مستقل و بی طرف تشکیل و بر طبق قوانین و مقررات اعمال نظر خواهد کرد.

ب- ذینفع نبودن در نتایج انتخابات

اهمیت نظارت بر انتخابات به حدی است که دغدغه تدوین کنندگان قوانین را به خود مشغول داشته و در اکثر کشورها این وظیفه توسط قانون بنیادین اساسی مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص قوه مجریه از وضعیت خاصی برخوردار است . این قوه به دلیل ذینفع بودن از نتیجه ی انتخابات نباید

در مقام نظارت قرار گرفته و در مقام اجرا نیز باید تحت نظارت و کنترل قرار گیرد. همه این احتیاطها به خاطر جلوگیری از بروز مفاسد احتمالی و مخدوش نساختن انتخابات سالم است. و در نهایت تخصص نهاد ناظر را نباید نادیده گرفت و این امر جدا از عناصر بی طرفی و استقلال ارزیابی می شود. عملکرد نهاد نظارت باید طوری باشد که موجب جلب مشارکت هر چه بیشتر مردم در انتخابات شود. رعایت کامل قوانین و مقررات در این فرایند گامی اساسی محسوب می شود.

بند دوم: زمان نظارت

با توجه به خطیر بودن این امر، نظارت نهاد ناظر باید یک نظارت بی طرفانه و واقعی و تامین کننده ی اهداف و فلسفه ی وجودی نظارت باشد. و این امر باید از ابتدای اعلام داوطلبی تا اعلام نتایج نهایی را در بر گیرد. و باید فرصتی معقول برای معترضان به نتایج، مقرر داشت تا به رعایت کامل قوانین و مقررات و رسیدگی و پاسخ گویی موثر در فاصله ی زمانی خاص که در نتیجه ی نهایی مؤثر واقع می شود، منجر شود.

بند سوم: اهداف نظارت

به طور کلی می توان اهداف نظارت را در چند مورد بیان کرد که عبارت اند از: پیشگیری از رقابت های ناسالم، سوء استفاده و اعمال نفوذ برای دستیابی به قدرت، جلوگیری از وقوع تخلفات و تقلبات انتخاباتی، پیشگیری از سوء استفاده ی احتمالی قوا، ایجاد فضایی باز توأم با اعتمادسازی به افراد، گروهها و احزاب مبنی بر اعمال اراده واقعی آنها در تعیین سرنوشتشان و در نهایت می توان به اطمینان بخشی به افکار عمومی در رعایت اصول کامل بی طرفی، استقلال، پاسخ گویی، شفافیت و احترام به حاکمیت قانون در روند برگزاری انتخابات اشاره کرد.

بند چهارم: ضمانت اجرای نظارت

نظارت برای این که کارآمد باشد باید دارای ضمانت اجرا باشد. اعلام تخلف و مجازات متخلفین با شکایات ذینفعان از جمله احزاب رقیب، کاندیدها، مقام مجری، مقام ناظر و عموم مردم و همچنین از طریق ارسال پرونده ها به مراجع قضایی و ابطال توسط مقام ناظر از جمله ضمانت اجرایی است که با توجه به شرایط خاص مطرح می شود.

بند پنجم: مرجع نظارت بر انتخابات

با توجه به فلسفه ی نظارت و ویژگی های مراجع ناظر و با این پیش فرض که سازمان های بین المللی در کشورهای تحت استعمار و حتی در مواردی در کشورهای مستقل با اعزام ناظران خارجی، نظارت بین المللی را بر عهده داشته اند این سؤال مطرح می شود که آیا در شرایط فعلی می توان در مواردی قابل به صلاحیت بین المللی نظارت بر انتخابات در یک کشور شد؟ اصولاً واگذاری این امر با حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی منافات ندارد؟ مزایا و معایب و راه برون رفت از مشکلات احتمالی چیست؟

بند ششم: نظارت بین المللی بر انتخابات

مؤسسه ی بین المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات (IDEA)^۱، نظارت انتخاباتی را به عنوان گردآوری هدفمند اطلاعات مربوط به پروسه های انتخاباتی و فراهم کردن قضاوتی آگاهانه درباره ی فرایند مزبور بر مبنای اطلاعات گردآوری شده، تعریف می کند. تعریف فرایند گرایی^۲ مؤسسه ی بین المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات، یکی از عمده ترین اهداف نظارت انتخاباتی را روشن می کند. قانونی کردن فرایند انتخاباتی و قضاوت آگاهانه، اشاره به این موضوع دارد، اگر چه فرایند انتخاباتی، نسبتاً و یا منطقه آزاد و منصفانه بوده است، اما از آرا و نظرات عمومی استفاده شده است و یا بیانگر خواسته های مردم است. در مناطقی که رای دهندگان به برگزار کنندگان اعتماد ندارند یک قضاوت خارجی محترم، مفید است. در بعضی موارد، انتخابات آزاد و منصفانه، شرط ضروری مقبولیت بین المللی و به رسمیت شناخته شدن و محترم بودن یک رژیم حکومتی است. جدا از رژیم حکومتی، سازمان های سیاسی بین المللی، و سازمان های حمایت بین المللی و بازیگران دیگر، می توانند اهداف متفاوتی از نظارت انتخاباتی داشته باشند. بنابراین فعالیت های سازمان ملل متحد از سال ۱۹۲۸، فعالیت های سازمان کشورهای قاره ی آمریکا از دهه ۱۹۶۰، فعالیت های کشور مشترک المنافع، فعالیت های موسسات اروپایی از دهه ی نورد، فعالیت سازمان های بین المللی غیر دولتی از ۱۹۸۳ پاسخی در خور به دغدغه ها و مشکلات احتمالی در مقوله ی نظارت بر انتخابات جهت ایجاد و تقویت فعالیت های

^۱ The International Institute for Democracy and Electoral Assistance

^۲ Process-oriented definition

دمکراتیک است.

بنابراین نظارت، میانجی گری و تامین حمایت ها، مجموعه کامل اهداف هستند. با وجود این، این سه نقش می توانند باعث ایجاد تضارب آرا شوند. چگونه یک سازمان می تواند از یک فرایند انتخاباتی که خود پشتیبانی ضمنی آن را تامین کرده، بی طرفانه ارزیابی کند. مؤسسه ی بین المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات این مساله را با محدود کردن نقش خود در میانجی گری و حمایت های ضمنی حل کرده است تا بدین ترتیب مسئولیت های اصلی نظارت، به خطر نیفتد. (Rose, Richard, ۱۷۹, p ۲۰۰۰))

بند هفتم: نظارت ملی بر انتخابات

نظارت داخلی بر انتخابات احتمالا هم زمان با انتخابات رقابتی، ظهور کرده است. حضور ناظران احزاب سیاسی و یا نمایندگان احزاب حتی در کشورهایی با سابقه و سنت طولانی دموکراسی امری عمومی است و دلایل آنها برای حضورشان فراتر از قضاوتی آگاهانه است. این نظارت به خاطر از بین بردن تقلب انتخاباتی، مشاهده قوت و تأثیر سازمان حزب بر رأی دهندگان و با خبر ساختن حزب از میزان رای دهندگان و نتیجه انتخابات است. یک ناظر دیگر که معمولا در این امر مشارکت می کنند، رسانه هاست که حضورش می تواند با فعالیت هایی که غالبا توسط ناظران انجام می شود، همراه بوده و ایفای نقش کند. محدوده ی این حضور از بررسی و تحقیق در باب سوء استفاده ها شروع و تا هدایت مرحله قبل از انتخابات، حین انتخابات و نیز بعد از آن و شمارش آرا ادامه دارد. (Ibid-P.۱۸۱) یک مقایسه همه جانبه پیشنهاد می کند که نظارت ملی، دارای فواید مثبت منحصر به فردی در برابر نظارت بین المللی است که این می تواند در راهی که تلاش های ملی را تقویت و باز تعریف می کند، کاربرد داشته باشد. (Ibid-P.۱۸۳).

بخش چهاردهم: معیار ها و استانداردهای انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین المللی

آن چنان که اراده ی عمومی افراد در تعیین سرنوشت و حاکمیت ملی که در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و در مواردی از منشور بیان شده است را می توان به عنوان مبانی تأمین کننده ی انتخابات آزاد و

منصفانه مطرح کرده و از آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی تشکل نیز به عنوان مبانی تضمین کننده ی انتخابات آزاد و منصفانه یاد کرد. اما قبل از آن باید عنوان کرد که سرآمد تمام این تضمینات اصل حیاتی و جان بخش دموکراسی است. که این اصل با رعایت اصول بنیادین و تضمین کننده دموکراسی تحت عناوین اصل همگانی بودن مشارکت متفکرانه می مردم، آزادی، برابری، کثرت گرایی، تعدد اندیشه و حزب، حکومت اکثریت و حقوق اقلیت، اصل تفکیک و توازن قوا، تناوب قدرت، حاکمیت قانون و مسئولیت تحقق عینی و عملی بخشیده می شود. همچنین در خصوص حداقل استانداردهای انتخابات در حقوق و رویه ی بین المللی باید متذکر شد در حقوق و رویه ی بین المللی معیارها و استانداردهایی مقرر شده است که رعایت این معیارها یک انتخابات را به سمت انتخاباتی آزاد و منصفانه که مردم سهم واقعی در مشارکت فعالانه ی آن دارند سوق خواهد داد. این معیارهای چندگانه عبارت اند از قوانین و نظام های انتخاباتی، تعیین حوزه های انتخاباتی، مدیریت انتخابات، انتخابات ادواری، گزینش های معنی دار، (رنی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۷) نامزدها، احزاب سیاسی و سازمان های سیاسی، آزادی شناخت گزینه ها، حق رای همگانی، ارزش برابر آراء، ثبت نام رای دهندگان، آموزش مدنی و اطلاع رسانی و آگاهی دادن به رای دهنده، مبارزات انتخاباتی، ثبت آزادانه ی گزینش ها، نظارت و نتایج انتخابات و شکایت و حل و فصل انتخابات می- باشد. (گردوین، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱) این نظام ها و تضمینات قانونی به عنوان پیش شرطها و بخشی از معادله ای هستند که انتخابات آزاد و منصفانه را تحقق می بخشند.

بند اول: بررسی شیوه های نظارت بر انتخابات پارلمان در ایران و انگلستان

برگزاری انتخاباتی سالم مستلزم نظارت بر کل فرایند انتخابات است، که این مساله روند برگزاری انتخابات را از ابتدای اعلام داوطلبی تا پایان اعلام نتایج و رسیدگی به دعاوی و شکایات انتخاباتی در بر می گیرد که به بررسی این مسایل در نظام های فوق می پردازیم.

بند دوم: بررسی روند برگزاری و نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی

آخرین اصلاحات قانون انتخابات مجلس که مبنای انتخابات کنونی مجلس شورای اسلامی است، مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۳ می باشد در این خصوص، نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی را با بررسی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندها، مراحل و مدیریت انتخابات و نظارت بر آن

بررسی می‌نماییم.

بند سوم: شرایط عضویت و صلاحیت داوطلبان مجلس شورای اسلامی

بر اساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری ایران عده‌ی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود.

زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. بنابراین اولاً معیار افزایش تعداد نمایندگان پس از ۱۰ سال به میزان ثابت ۲۰ نفر می‌باشد. ثانیاً عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن در تسهیم این تعداد بین نقاط مختلف کشور مؤثر است و تعداد جمعیت، تنها عامل مؤثر برای تغییر تعداد نمایندگان نمی‌باشد. (نجفی اسفاد، محسنی - پیشین - ص ۶۰)

به هر حال، پس از گذشت ۱۰ سال از بازنگری قانون اساسی در مرداد سال ۱۳۷۸، تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی از ۲۷۰ نفر به ۲۹۰ نفر افزایش یافت.^۱

نتیجه‌گیری

امروزه در جهان معاصر اجرای موازین دموکراسی از آمال و اهداف تمام ملل متمدن دنیا است، رقابت احزاب و افراد و شعارهایی که در مبارزات پارلمانی و سیاسی سر می‌دهند، غالباً در اثبات نزدیک‌تر بودن آنان به مواضع دموکراتیک است تا پیروز میدان گردند. در حالی که ما مسلمانان در صدر اسلام نمونه‌ای متعالی و پر افتخار از برگزاری یک انتخابات آزاد و چشمگیر را شاهدیم.

از آنچه که بیان گردید، آشکار می‌شود گرچه شورا و بیعت جلوه‌هایی از مشارکت مردم در ساحت سیاست و اجتماع را نمودار می‌سازد، اما نمی‌توان قالب متداول آن را در صدر اسلام به طور شکلی و قالبی با نظام‌های دموکراتیک معاصر همانند دانست و البته از میان این دو، تقارب شورا با بافت حاکم بر دموکراسی‌های معاصر، بسی بیشتر از بیعت است.

۱ قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها، مصوب ۱۳۷۸/۵/۲۵

تفاوت آشکار کمی و کیفی بیعت مردم با حضرت در مقایسه با بیعت آنان با خلفای قبلی، آزادی مردم در انتخابات را به بهترین شکل نشان می دهد.

بدین ترتیب مشخص گردید که ، در آمریکا انتخاب رئیس جمهور دو درجه ای است و در این زمینه نیز تاریخ انتخابات در آمریکا نشان داده است که رقابت تنها بین دو حزب دمکرات و جمهوری خواه وجود دارد و سایر احزاب و کاندیداها به دلایلی، هم چون نداشتن توان مالی گسترده ، عدم برخورداری از حمایت نهادهای سیاسی و شخصیت های مؤثر سیاسی ، عدم برخورداری از لابی صهیونیستی و ... شانس برای راهیابی به کاخ سفید ندارند. در مقایسه نحوه انتخاب رئیس حکومت در آمریکا و جمهوری اسلامی ایران بایستی گفت که در ایران رئیس جمهور با انتخاب مستقیم مردم به قدرت می رسد و توسط نهادهای مورد تأیید قرار می گیرد که خود نقشی در انتخاب آنها ندارد و بایستی از شرایطی چون تابعیت ایران ، مدیر و مدبر بودن ، حسن سابقه و امانت و تقوا و ... برخوردار باشد.

درخصوص انتخابات مجلس در ایران و آمریکا نیز بایستی گفت برخورداری از شرایطی، چون حسن سابقه، تقوا و امانت، امتیازی برای نظام انتخاباتی مجلس در ایران میباشد. از دیگر امتیازات پارلمان در ایران نسبت به آمریکا حضور اقلیت های دینی و نیز حضور سلاقی مختلف سیاسی است. از طرفی در ایران هیچ نهادهای حق انحلال مجلس را و نیز وتوی مصوبات آن را ندارد، مگر در موارد اختلافی با شورای نگهبان که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام حل می شود، در حالیکه در آمریکا این حق برای رئیس جمهور محفوظ است.

در خصوص مقایسه نظام انتخاباتی ایران و انگلیس نیز بایستی گفت که رئیس حکومت (شاه یا ملکه) در این کشور به صورت موروثی و مادام العمر می باشد و گرچه نقش آن بیشتر تشریفاتی است لکن دارای امتیازات و اختیارات زیادی میباشد. این نحوه انتخاب رئیس حکومت، نقطه ضعف عمدهای برای حکومت انگلیس میباشد، چرا که عملاً یک خاندان سلطنتی از حقوق و ویژه های بدون نظارت مؤثر و نیز بدون کارآمدی برخوردار است که توجیه عقلانی ندارد. از سوی دیگر شخص اول این کشور (نخست وزیر) به صورت مستقیم توسط مردم انتخاب نمیشود، بلکه توسط پارلمان به قدرت می رسد که پارلمان نیز از دو مجلس اعیان و عوام تشکیل میشود.

نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با فرانسه نیز از امتیازاتی برخوردار است. همانطور که

گذشت، رئیس جمهور در فرانسه با رأی مستقیم مردم در دو دور برای مدت هفت سال انتخاب میشود که به لحاظ سیاسی، غیرمستول و درعین حال از اختیارات زیادی برخوردار است که انتخاب نخست وزیر، تعیین تعدادی از اعضای شورای قانون اساسی که نهادی مشابه شورای نگهبان می باشد و انحلال پارلمان از آن جمله است. مهمترین ایراد به ریاست جمهوری در فرانسه، مدت هفت ساله ریاست جمهوری و داشتن حق انحلال مجلس است. از طرفی از اعضای شورای قانون اساسی توسط رئیس جمهور انتخاب میشوند که آنها نیز وظیفه نظارت بر تمامی مراحل انتخابات و نیز تطابق قوانین عادی با قانون اساسی را برعهده دارند و این مسئله باعث می شود که رئیس جمهور بر روند انتخابات پارلمان و نیز تصویب قوانین از نفوذ زیادی برخوردار باشد، درحالیکه در جمهوری اسلامی ایران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرجعی برای حل اختلافات مجلس و شورای نگهبان است. شرایط منحصر به فرد رهبری و رئیس جمهوری در ایران، یک امتیاز برای نظام انتخاباتی کشور می باشد که دیگر کشورها از آن برخوردار نیستند. ایرادی که به نحوه نفوذ رئیس جمهور در فرانسه نسبت به شورای قانون اساسی وارد است بر شورای نگهبان در ایران وارد نیست، زیرا اولاً در مورد رئیس جمهوری در ایران مصداق پیدا نمی کند، ثانیاً حقوق دانان شورای نگهبان بایستی مورد تأیید مجلس باشند.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که شرایط رهبری و رئیس جمهور در جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با شرایط رهبران ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه به مراتب دقیق تر و مناسب با مسئولیت سنگین مدیریت یک نظام سیاسی است، در حالیکه در این کشورها هر فردی صرف نظر از صلاحیت علمی و عملی لازم، صرفاً با کسب اکثریت آرا به شکل مستقیم و غیرمستقیم با زد و بندهای حزبی و سیاسی قدرت را در دست میگیرد، در حالیکه پادشاهی در نظام سیاسی حاکم بر انگلستان موروثی و مادام العمر است و هیچ مرجعی بر آن نظارت ندارد. رهبر در جمهوری اسلامی ایران در صورت ناتوانی در انجام وظایف، توسط مجلس خبرگان که ناظر بر اعمال اوست، عزل می شود. همچنین انحلال مجلس قانون گذاری در شرایطی توسط رهبر، پادشاه یا رئیس جمهور در این کشورها ممکن است، درحالیکه در ایران چنین امری ممکن نمیشد. از سوی دیگر در این کشورها رئیس جمهور در صورت انجام جرم های محدود و مشهود عزل میشود، ولی در جمهوری اسلامی ایران رهبری در صورت دست دادن شرایط یاد شده عزل می شود و در مورد رئیس جمهور نیز این چنین می باشد. لذا اهرمهای نظارتی و شرایط احراز عدم صلاحیت در جمهوری اسلامی ایران به مراتب دقیق تر و گسترده

تر است، و دیگر اینکه نحوه انتخاب رهبر در ایران، مانند انتخاب رئیس جمهور در آمریکا و انگلستان غیرمستقیم است، ولی در ایران مجلس خبرگانی که متصدی این امر هستند از شرایطی شبیه شرایط رهبری برخوردارند.

در دنیای معاصر بی تردید اراده‌ی واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش پایه و اساس منشأ اقتدار دولت‌ها شناخته شده و به دنبال آن برگزاری انتخابات امری معقول و موجه جلوه می‌نماید اما باید متذکر شد که صرف برگزاری انتخابات شکلی نمی‌تواند ضامن تجلی اراده و خواست واقعی مردم تلقی گردد. بنابراین هر چند انتخابات شرط لازم برای ایجاد دموکراسی و استقرار مردم‌سالاری است اما شرط کافی نیست دموکراسی واقعی مستلزم ایجاد و تقویت مبانی جامعه دموکراتیک مانند ساختارهای اداری، قوانین انتخابات، مدیریت انتخابات، رشد سیاسی و مفهوم شهروندی و حقوق و مسئولیت‌های وابسته به آن است. نظارت بر انتخابات که مبین حق واقعی بر سرنوشت افراد است، امری است که همگان به ضرورت آن معترفند و امروزه نظارت بر انتخابات به عنوان تضمینی برای حفظ صحت و سلامت انتخابات است. در این پژوهش که به مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان بین دو کشور ایران و انگلستان پرداخته شد نتایج ذیل حاصل شد:

به طور کلی هدف از اعمال نظارت بر انتخابات برگزاری انتخاباتی آزاد و منصفانه در راستای بسط و گسترش ظرفیت دموکراتیک قانون اساسی است که اصول و قواعد لازم برای تحقق آن پیش‌بینی شده و بستر آن باید در قوانین عادی، فرهنگ عمومی مبتنی بر مشارکت، درک جامعه مدنی، کثرت‌گرایی، جمهوریت، حاکمیت قانون و زیرساخت‌های لازم دیگر نهادینه شود.

هر چند انتخابات آزاد و منصفانه تاب تفاسیر متفاوت و گاه متعارضی را دارد ولی رعایت معیارهایی چون اصول دستیابی به رقابت آزاد، اصول مشترک حاکم بر انتخابات، مبانی تضمین‌کننده انتخابات و حداقل استانداردهای انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی باعث می‌شود یک انتخابات واجد ویژگی‌های آزاد و منصفانه تلقی گردد. در این خصوص باید انصاف و بی‌طرفی بر همه ابعاد و رفتار فعالان سیاسی و رقابتی سیاسی (شامل رای‌دهندگان، کاندیدا، احزاب سیاسی و...) حاکم باشد. بعد آزادی در انتخابات مشکل از حقوق و آزادی‌های بنیادین و بعد انصاف ناظر به جنبه‌های مختلف بی‌طرفی در انتخابات است.

امروزه در تمامی نظام های مردم سالار نظارت بر انتخابات یک ضرورت و اصل پذیرفته شده است. در این خصوص نظارت بر انتخابات توسط هر نهادی که صورت گیرد هدف برگزاری انتخاباتی است که منعکس کننده ی خواست و اراده ی واقعی انتخاب کنندگان باشد از این جهت استقلال، بی طرفی، پاسخ گویی و ذینفع نبودن در نتیجه ی انتخابات ویژگی ها و انتظارات مشروعی است که مرجع نظارت باید منصف به آن باشد.

فلسفه ی اصلی نظارت اجرای صحیح قوانین و جلوگیری از دخالت های غیر قانونی مقامات اجرایی و سیاسی در پروسه ی انتخاباتی و تامین آزادی واقعی شهروندان در این مشارکت سیاسی برای برگزاری انتخاباتی آزاد و منصفانه است.

از آن جایی که یکی از اصلی ترین اهداف دموکراسی تامین حقوق و آزادی های بنیادین افراد از جمله حق انتخاب شدن و انتخاب کردن می باشد. بی تردید امر نظارت بر این مقوله از اهمیت دو چندان برخوردار می شود. بنابراین می توان مدعی شد که تنها نظام نظارت تضمینی که تلفیقی از نظارت پیشینی و رسیدگی پسینی است، ترجمان واقعی فلسفه ی وجودی نظارت را تحقق عینی و عملی خواهد بخشید.

در صورت اعمال نظارت بی طرفانه و واقعی بر انتخابات، اهداف نظارت که شامل پیش گیری از رقابت ناسالم، سوء استفاده و اعمال نفوذ برای دست یابی به قدرت، جلوگیری از تخلفات احتمالی، ایجاد فضایی توأم با اعتماد سازی به افراد، گروه ها، و احزاب برای اعمال اراده واقعی آنها در تعیین سرنوشت و در نهایت اطمینان بخشی به افکار عمومی در رعایت کامل اصول بی طرفی، استقلال، پاسخ گویی، شفافیت و احترام به حاکمیت قانون در روند برگزاری انتخابات تحقق واقعی بخشیده می شود.

در نظام جمهوری اسلامی ایران نظارت بر انتخابات و آرای عمری از وظایف شورای نگهبان است. اصل ۹۹ قانون اساسی مقرر می دارد: شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد. در اجرای اصول مختلفی از قانون اساسی از جمله اصل ۶، ۶۲، ۶۸، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹ و ۱۲۱ که مربوط به اتکای امور به آرای عمومی و انتخابات می باشد و نیز در اجرای اصل ۹۹ مقررات متعددی به تصویب مراجع ذیصلاح رسیده است که امر انتخابات و نظارت بر آن بر اساس

آنها به عمل می آید. اما از چگونگی نظارت اعمالی توسط شورا سخنی به میان نیامده است و همین امر موجب بروز برداشت های حقوقی متفاوت از نوع نظارت شورای نگهبان شده است و نحوه اعمال این نظارت به نحوی است که علاوه بر نظارت بر صحت انتخابات نوعی نظارت بر صحت انتخاب نیز از طرف مرجع ناظر به عمل می آید که این مسأله منشأ عمده تنش های انتخاباتی بوده است. شورا نظارت مذکور را نظارت استصوابی تفسیر نموده و این نظر از سری تحلیل گران و صاحب نظران حقوقی و سیاسی از آن جهت مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است که آن را خروج از وظایف تفسیری و به ویژه ناقض حقوق و آزادی های مردم در امر حاکمیت بر سرنوشت خویش و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن دانسته اند. مخالفت ها صرفاً مربوط به آن بخش از نظارت استصوابی است که علاوه بر انتخابات گزینش و انتخاب مردم را نیز تحت الشعاع قرار می دهد.

اشتراط برخی از شرایط خاص در قانون انتخابات که مستلزم احراز آن از سوی مراجع ناظر می شود مستلزم اجبار به ابراز عقیده است که مغایر قانون اساسی است و در صورت عدم احراز شرایط توسط مرجع ناظر منجر به محرومیت از حقوق اجتماعی (انتخاب شدن و انتخاب کردن) می گردد. احراز اعتقاد و التزام عملی به آسانی قابل ارزیابی نیست چون اعتقاد آمری باطنی و قلبی است و التزام نیز جز در بخشی که همواره در مرئی و نظر است غیر قابل مشاهده و اطمینان است و شرایط دارای جنبه می رفتاری همانند التزام به اسلام و نظام جمهوری اسلامی می تواند مورد ارزیابی های متفاوت قرار گیرد. ابهام داشتن عرصه دربرگیری این نوع نظارت گاه موجب بروز برداشت های سلیقه ای در رد یا تأیید صلاحیت کاندیداهای انتخابات است.

نظارت به کار گرفته شده در ماده ی سه قانون انتخابات استصوابی است. با وجود این شورای نگهبان در راستای وظایف نظارتی خود نمی تواند محدودیت هایی بیش از آن چه قانون اساسی، روح قوانین اساسی و قوانین عادی مقرر داشته اعمال نماید و با پذیرش نظارت استصوابی این نظارت نمی تواند به شورا اختیار ورود به حرز ی امرر اجرایی و اختیارات وزارت کشور اعطا کند. بنابر این نظارت اعمالی از سوی شورای نگهبان باید طوری اعمال شود که متعارض با حقوق بنیادین ملت در انتخاب کنندگی و انتخاب شوندگی نباشد.

به طور کلی شورای نگهبان از طریق هیأت مرکزی نظارت و هیأت های نظارت و دیگر زیر مجموعه

ها وظیفه نظارتی خود را اعمال می کند و به صورت استصوابی و نهایی در مورد صلاحیت نامزدها اظهار نظر می نماید. شکایات رد صلاحیت شدگان را نیز همین مرجع مورد رسیدگی قرار می دهد و ناظرین منتخب شورا فاقد صلاحیت تصمیم گیری مستقل هستند و نهایتاً شورا صحت و سقم انتخابات را تأیید یا رد و ابطال می نماید و چون شورا تأیید صلاحیت در مراحل قبلی و اجرایی را تحت نظر قرار می دهد و صلاحیت آنها را حسب مورد رد می کند عملاً هیچ مرجع تجدید نظر برای رسیدگی به شکایات وجود ندارد و تصمیم شورای نگهبان بنا به تفسیر آن شورا قابلیت تجدید نظر قضایی در محاکم دادگستری را ندارد. که این امر بی تردید در حقوق انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان تأثیر گذار می باشد.

به دلیل عدم شفافیت و نیز عدم قابلیت برخی شرایط برای شاخص سازی عینی در قانون انتخابات کاندیداتوری در انتخابات مجلس شورای اسلامی با مشکلاتی مواجه است و شرایط خاص انتخاب پذیری به گونه ایست که احراز آن از سوی مراجع ناظر به سادگی امکان پذیر نیست و این مسأله بی تردید در تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان تأثیر بسزایی دارد.

از آنجایی که پارلمان به عنوان یکی از قوای سه گانه در نظریه تفکیک قوا در قانون اساسی کشورها نقش اساسی دارد بنابراین مجموعه رخدادهایی که در ایران چه در قالب رسیدگی به صلاحیت داوطلبان و چه در قالب رسیدگی به دعاوی انتخاباتی صورت میگیرد در سایر کشورها نیز وجود دارد اگر چه ممکن است در دیگر کشورها نهادی به نام شورای نگهبان با ویژگی های قانون اساسی ایران وجود نداشته باشد.

ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر نظریه حاکمیت الهی تبیین می شود. این حاکمیت از سه طریق اعتقاد مکتبی، قوانین اسلامی و حکومت اسلامی تحقق می یابد. بنابر این مدل حکومت در نظام سیاسی ایران جمهوری اسلامی است در مقابل ساختار حکومتی در انگلستان غیر مذهبی و مبتنی بر نظریه حاکمیت ملی و مردمی است. ضمن توجه به متفاوت بودن اصول بنیادین حاکمیت سیاسی در دو کشور این نتیجه حاصل می شود که تفاوت در ساختار حکومتی، نظام سیاسی و حقوقی را متأثر ساخته و حقوق ملت تحت الشعاع نظام حاکم در دو ظرف و قالب خود تعریف و به مرحله اجرا در می آید. در این خصوص ماهیت و دامنه مسایل مربوط به انتخابات تا حدود زیادی متأثر

از نظام سیاسی حاکم و عوامل اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است.

در نظام حقوقی انگلستان در رابطه با صلاحیت کاندیداها هر کاندیدا باید مبلغ ۵۰۰ پوند ودیعه بگذارد تا در صورتی که یک بیستم از تمام آرا را به خود اختصاص نداد این مبلغ به عنوان جریمه ضبط گردد و هر کاندیدا باید توسط ۱۰ امضا حمایت شود. انتخابات عمومی بعد از دستور ملکه برگزار می شود. این مأموران ویژه در قبال انتخابات مسئول و پاسخگو هستند اما از آنجایی که معیارها و ملاک ها برای صلاحیت عینی است سلیقه و نظر نهاد ناظر تأثیری در صلاحیت های داوطلبان ندارد و افرادی که نسبت به رد صلاحیت هایشان اعتراض داشته باشند به دادگاه شکایت و تصمیم دادگاه در این زمینه قطعی است. البته باید متذکر شد با توجه به تسلط دو حزب کارگر و محافظه کار در انگلستان مسأله تأیید صلاحیت ها بیشتر حزبی است یعنی موفقیت افراد در انتخابات منوط به این مسأله است که از طرف یک حزب به عنوان کاندیدا معرفی گردد. از این جهت مسأله تأیید صلاحیت ها بیشتر تحت تأثیر قوانین داخلی احزاب است که این مسأله ریشه در نظام حزبی انگلستان دارد. وجود شرایط عینی در مورد انتخاب شوندهگان و فقدان شرایط مبهم و قابل تفسیر مسأله تشخیص صلاحیت ها را قابل ارزیابی می سازد. بنابر این بررسی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان شرایط عینی است که به آسانی قابل احراز است و افراد با تطبیق شرایط خود با قانون می توانند پیش بینی کنند که صلاحیتشان مورد تأیید قرار می گیرد یا خیر؟ در رابطه با مسأله صلاحیت هر کاندیدا نیز می توان گفت کمیته قضایی شورای مشورتی ملکه می تواند اظهارنامه ای در مورد تقاضانامه هر کاندیدا صادر کند. هم چنین خود مجلس هم ممکن است جهت نظر خواهی موضوع را به شورای مشورتی ملکه ارجاع دهد. در یک ارزیابی کلی می توان گفت مرجع تعیین صلاحیت و نظارت در انگلستان با توجه به مشخصه ی عینی بودن ملاکها مشکلاتی از آن دست که در نظام انتخاباتی ایران حاکم است به بار نمی آورد. از طرفی نظارت موجود در این کشور یک مرحله ایست در حالی که نظام حقوقی ایران قایل به نظارت مضاعف از طریق شورای نگهبان و از طریق مجلس شورای اسلامی در تأیید اعتبارنامه می نمایندگان است.

رسیدگی به جرایم و تخلفات انتخاباتی منحصر در صلاحیت قوه ی قضائیه و محاکم دادگستری است و هر گاه وقوع جرم محرز شناخته شد مجرم در حدود قانون مجازات می شود اما در خصوص تأثیر رسیدگی قضایی و احکام آن بر انتخابات در احکام قضایی به ابطال یا صحت انتخابات نظر داده نمی

شود زیرا مطابق قانون اساسی نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است و نکته دیگر این که در رابطه با مسأله ی نظارت و احکام قضایی مطرح است این است که مراجع انتخاباتی در فواصل کوتاهی مکلف به اعلام نظر خود هستند و شورای نگهبان نیز مکلف به اعلام نتیجه انتخابات در وقت معین است بنابراین در حالی که شکایات محاکم در جریان رسیدگی است و حکم صادر نشده است نتیجه انتخابات با همان رسیدگی های مراجع انتخابات اعلام می شود. این مسأله در جرایمی که در نتیجه نهایی انتخابات مؤثر واقع می شود قابل تأمل به نظر می رسد در این خصوص چون نظر شورای نگهبان اصلی و تعیین کننده است در قانون قضیه مسکوت مانده است

در خصوص مرجع رسیدگی به دعاوی انتخاباتی در انگلستان دادگاه انتخاباتی مخصوصی وجود دارد که دارای دو قاضی دادگاه عالی است و این دادگاه می تواند از کاندیدایی سلب صلاحیت کند یا آرا را بررسی کند و نتایج انتخابات را اعلام کند یا خواستار برگزاری انتخابات جدید شود در خصوص نحوه رسیدگی، این دادگاه هم کاندیدا و هم رأی دهنده می تواند ظرف سه ماه از تاریخ برگزاری انتخابات به دادگاه فوق شکایت کنند. تصمیم دادگاه به تنهایی برای جلوگیری از انتخابات و سلب صلاحیت از کاندیدا کافی است ولی اگر جرم انتخاباتی صورت گرفته باشد رسیدگی های جزایی نیز ممکن است انجام شود. جرایم خاص انتخاباتی عبارتند از اعمال فاسد و اعمال غیر قانونی که مدت سلب صلاحیت برای جرم فاسد ۱۰ سال و برای عمل غیر قانونی ۵ سال در یک حوزه انتخاباتی خاص است. به طور کلی نظارت بر انتخابات در انگلستان منوط به شکایت افراد و جنبه ی پیگیری دارد و آرا محاکم اختصاصی در صحت و ابطال انتخابات تأیید کننده ی نهایی است.

در نظام انتخاباتی انگلستان قبل از انتخابات ثبت نام رأی دهندگان توسط مأموران ثبت نام انتخاباتی که مأمورانی مستقل با اختیارات محلی هستند انجام می گیرد در این خصوص وجود فهرست های انتخاباتی مزیتی است که در این نظام انتخاباتی اعمال می شود. با فقدان این فهرست های انتخاباتی نمی توان تضمینی برای شرط سکونت یافت و از جابجایی توده ای مردم از یک حوزه انتخابیه به حوزه ی انتخابیه دیگر جلوگیری کرد. هم چنین نمی توان از بروز تخلف های انتخاباتی از جمله رأی دادن مکرر جلوگیری کرد و درستی انتخابات را از طرف نهاد نظارت کننده به طور مؤثر بررسی نمود.

در خصوص تبلیغات و هزینه های انتخاباتی در نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی هیچ گونه

محدودیت یا نظارتی بر هزینه های انتخاباتی وجود ندارد که این مسأله نقص بزرگی برای قانون انتخابات محسوب می شود. این مسأله در انگلستان نیز با ابهاماتی روبروست. مقرراتی که در این زمینه وجود دارد تمامی جوانب مبارزات انتخاباتی را پوشش نمی دهد و این امر تا حد زیادی تحت تأثیر نظام حزبی انگلستان است. بنابراین در خصوص مشمولان نظارت می توان گفت بر اساس میزان جمعیت حوزه ها سقف مشخصی برای هزینه های انتخاباتی دارند و نمی توانند از سقف یادشده تجاوز کنند ولی محدودیت های نظارت و محدودیت های قانونی فقط شامل نامزدهاست و احزاب از قوانین محدود کننده هزینه های تبلیغاتی استثنا شده اند که این مسأله موجب آزادی بی حد و حصر احزاب مسلط شده و موجب حذف یا به حاشیه رانده شدن احزاب نوپا می شود و از این جهت مورد انتقاد است.

در طی یک دهه ی گذشته در انگلستان کمیسیون مستقل انتخاباتی به وسیله پارلمان این کشور تاسیس شده است. از جمله دیدگاههای مطرح شده در فعالیت این کمیسیون می توان به ساختار تحویل برای انتخابات، درستی انتخابات و قانون گذاری برای انتخابات اشاره کرد. بررسی مسایل مربوط به ثبت انتخابات و سیستم رای گیری، اطمینان سازی همه مراحل انتخابات و همه پرسی ها، سازماندهی و مدیریت شمارش آرا، تعیین تعداد کاندیداها در پروسه های نامزدی از جمله گام هایی است که کمیسیون برای حمایت پیشرفت های علمی در سراسر انگلستان در برگزاری انتخابات برداشته است. کمیسیون انتخاباتی از پیشرفت های این مسایل از طریق گزارش و ارزیابی استانداردهای اجرا مطلع خواهد شد. از جمله فعالیت های علمی این کمیسیون ارایه گزارش سالانه از برنامه مشارکتی سال ۸-۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱-۲۰۱۲ می باشد. در این گزارش روند کلی مسایلی مورد بررسی قرار گرفته که بدون تردید در برگزاری انتخاباتی منصفانه نقش بنیادین دارد. ضمناً اقدامات کمیسیون بر طبق آخرین تغییر و تحولات قوانین انتخاباتی بوده و از ابزارهای کلیدی مهم در دست یابی به موفقیت طرح جامع در طی سال های ۸-۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱-۲۰۱۲ محسوب می شود.

پیشنهادهات

دموکراتیزه کردن قوانین و مقررات نظام انتخاباتی و ابهام زدایی از شرایط کلی، مبهم و قابل تفسیر با توجه به بنیادی بودن نقش انتخابات در ایجاد دموکراسی و تحقق مردم سالاری

با توجه به این که مسأله ی تشخیص صلاحیت ها از جمله مقوله هایی است که در نظام انتخاباتی ایران محور عمده ی مباحث و مجادلات انتخاباتی بوده است ایجاد یک مقام ناظر بی طرف در جهت تطبیق شرایط افراد با موارد مقرر در قانون توسط مجلس شورای اسلامی در راستای اصل ۶۲ ق.ا برون رفتی است که به مشکلات پیرامون مسأله ی تشخیص صلاحیت ها خاتمه می دهد.

اعمال سیاست های خاص در راستای آموزش و رشد سیاسی شهروندان و اصلاح قوانین مرتبط با احزاب به منظور تشکیل و تقویت احزاب کارآمد برای مشارکت آگاهانه در عرصه ی انتخابات.

تصویب قانون و آیین نامه هایی در خصوص تعیین سقف مشخص هزینه های مبارزات انتخاباتی، شفاف سازی منابع و چگونگی صرف هزینه ها

تصویب قوانین و مقررات خاص در راستای دسترسی یکسان به رسانه - های نوین در تبلیغات انتخاباتی

ایجاد یک کمیسیون مستقل به منظور نظارت بر نحوه ی تبلیغات و مبارزات انتخاباتی و ایجاد قواعد مربوط به دسترسی یکسان به رسانه های دولتی

ایجاد فهرست های انتخاباتی و ثبت نام رأی دهندگان به منظور بررسی از حیث دارا بودن شرایط مقرر در قانون و همچنین جلوگیری از سوء استفاده، تقلب و تخلفات انتخاباتی از جمله رای دادن مکرر و...

استفاده از سیستم رأی گیری الکترونیکی در مرحله ی رأی گیری و شمارش آرا به منظور جلب اطمینان و اعتماد رأی دهندگان، جلوگیری از بروز تقلبات احتمالی و تسریع در اعلام نتایج نهایی

الزام مقامات مسئول به ارایه می دلایل و مستندات کافی برای رد صلاحیت ها و ابطال انتخابات و اعطای فرصت دفاع مشروع به ذی نفعان

ایجاد مرجع تجدید نظر و دادگاه ویژه انتخاباتی برای رسیدگی به تخلفات و جرایم انتخاباتی در پروسه ی زمانی خاصی که در نتیجه ی نهایی انتخابات مؤثر واقع گردد.

پی نوشتها

۱. عباسعلی عمید زنجانی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ دوم، ۱۳۸۴)، ص ۴۳۱.
۲. شرایط و صفات رهبر: ۱. صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه؛ ۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ ۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد، مقدم است.
۳. نبی الله ابراهیم زاده، حاکمیت دینی (قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۷)، ص ۱۱۹.
۴. جهانگیر منصور، قوانین و مقررات مربوط به انتخابات جمهوری اسلامی ایران (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱)، ص ۱۱۱ - ۱۱۶.
۵. Alexis de toqueville.
۶. جواد علی زاده، تحلیلی بر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (تهران: قومس، ۱۳۸۳)، ص ۲۲ - ۲۱.
۷. محمدتقی مصباح یزدی، نظریه سیاسی اسلام (قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸) ج دوم، ص ۱۶۹.
۸. همان، ص ۱۷۰.
۹. عبدالله جواد آملی، ولایت فقیه: ولایت فقاها و عدالت (قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸)، ص ۵۱۴ - ۵۱۳.
۱۰. جهانگیر منصور، پیشین، ص ۲۸۸.
۱۱. امیر صادقی نشاط، معرفی نظام جمهوری اسلامی ایران (تهران: مرکز مطالعات فرهنگی و بین المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، الهدی، ۱۳۷۸)، ص ۵۲.
۱۲. جلال الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: پایدار، چ پنجم، ۱۳۷۷)، ص ۱۶۳.
۱۳. Electoral Collee .
۱۴. علی اکبر جعفری ندوشن، تفکیک قوا در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳)، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.
۱۵. سیدمحمد طباطبایی، سیاست و انتخابات در ایالات متحده آمریکا (تهران: مرکز اسناد انقلاب

- اسلامی، (۱۳۸۱)، ص ۶۳ - ۷۳.
۱۶. محبوب شهبازی، تقدیر مردم سالاری (تهران: روزنه، ۱۳۸۰)، ص ۱۲۲ - ۱۲۳.
۱۷. جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی تطبیقی (تهران: پایدار، ۱۳۷۶) ج اول، ص ۹۶.
۱۸. سیدمحمد طباطبایی، پیشین، ص ۶۱.
۱۹. علی‌اکبر جعفری ندوشن، پیشین، ص ۱۸۹.
۲۰. همان، ص ۱۸۹.
۲۱. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (تهران: دانشگاه تهران، چ ۶، ۱۳۷۵) ص ۵۷۷ - ۶۰۳.
۲۲. علی‌اکبر جعفری ندوشن، پیشین، ص ۳۰۲.
۲۳. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، حقوق اساسی (تهران: میزان، ۱۳۸۰)، ص ۲۳۵ - ۲۴۲.
۲۴. همان، ص ۱۳۰ - ۱۳۶.
۲۵. جعفر بوشهری، حقوق اساسی؛ متون قوانین اساسی، فرانسه، آلمان، سوئیس، انگلستان و آمریکا (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ چهارم، ۱۳۸۴)، ص ۲۴۷ - ۲۴۹.
۲۶. احمد نقیبزاده، سیاست و حکومت در اروپا، (تهران: سمت، چ ۴، ۱۳۸۳)، ص ۸۹.
۲۷. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، پیشین، ص ۲۱۷ - ۲۲۳.
۲۸. جعفر بوشهری، پیشین، ص ۲۵۹ - ۲۶۹.
۲۹. علی‌اکبر جعفری ندوشن، پیشین، ص ۶۱ - ۶۲.
۳۰. لویی بیونس رنگه، فردا چه خواهد شد؟، ترجمه علی‌اکبر کسمایی (تهران: مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۲)، ص ۱۱۰.
۳۱. حسین علی‌نوذری، «نگاهی گذرا به احزاب سیاسی و انتخابات»، مشارکت سیاسی، احزاب انتخابات، مجموعه مقالات، وزارت کشور (تهران: سفیر، ۱۳۷۸)، ص ۲۶۲.
۳۲. موريس دوورژه، رژیم‌های سیاسی، ترجمه ناصر صدرالخطای (تهران: شرکت کتابهای جیبی، چ سوم، ۱۳۵۲)، ص ۱۷۷.
۳۳. جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی تطبیقی (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴)، ص ۱۰۹.
۳۴. حسن حسنی، مقامات عالی قوه مجریه در قانون اساسی ایران و فرانسه و مطالعه تطبیقی آن (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹)، ص ۱۰۷.

۳۵. جعفر بوشهری، پیشین، ص ۴۵.
۳۶. احمد نقیبزاده، پیشین، ص ۱۴۴.
۳۷. علی اکبر جعفری ندوشن، پیشین، ص ۱۱۷.
۳۸. جلال الدین مدنی، پیشین، ص ۱۳۵.
۳۹. علی اکبر ندوشن، پیشین، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.
۴۰. احمد نقیبزاده، پیشین، ص ۱۴۵.

منابع و مأخذ

- ابراهیم حسن حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران، انتشارات جاویدان، ج ۷، ۱۳۷۱.
- ابن ابی الحدید. عزالدین عبد الحمید ابن هبه الله، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، ج ۲۰، مصر، دار الحیاء، ۱۳۷۸
- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ترجمه محمد حسین روحانی، ج ۳، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۱
- ابن خلدون. شیخ عبد الرحمان، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محسن مهدوی و مجید مسعودی، ج ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳
- ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ترجمه قربان علی محمدی مقدم، ج ۲، مشهد، انتشارات پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵
- ابی یعقوب. احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۷، ۱۳۷۴.
- اندیشه سیاسی در گفتمان علوی، تهیه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، انتشارات موسسه بوستان کتاب، ج ۳، ۱۳۸۴.
- اولادی.م، دموکراسی در غرب، مجموعه مقالات اولین همایش دین و دموکراسی، ساری، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۷۷.
- ایوبی، حجت الله. اکثریت چگونه حکومت می کند؟ تهران، سروش، انتشارات صدا و سیما، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- آربلاستر، آنتونی، دموکراسی، ترجمه حسین مرتضوی، تهران، انتشارات آشتیان، ۱۳۷۹.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷.
- بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه ها، تهران، انتشارات موسسه اندیشه فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
- ثقی کوهی اصفهانی، ابواسحاق ابن ابراهیم محمد، الغارات، ج ۱.
- جرداق. جورج، الامام علی (ع) صوت العدل و الانسانیه، ج ۲.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، ج ۳، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۳.

- حاجی پور، نصرت الله، نقد رأی دیوان عدالت اداری در خصوص دفاتر داوری نظارت شورای نگهبان، سایت www.hoqooq.com
- خویی، سید ابوالقاسم، منهاج العالمین، جلد دوم، بیروت، دار الزهراء، بی تا.
- دال. رابرت، درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، تهران، نشر مشیرزاده، ۱۳۷۶.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت آفتاب، اندیشه سیاسی و سیره حکومتی امام علی (ع)، ج ۱.
- رنی آستین، حکومت (آشنایی با علم سیاست)، ترجمه لیلا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- زارعی، محمد حسین، مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۴
- شریعت . فرشاد، جان لاک و اندیشه پدرسالار، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س ۱۴، ش ۱۰-۹، خرداد و تیر ۱۳۷۹.
- شیخ مفید، محمد بن محمد النعمان، الجمل، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- طالقانی، سید حمیدرضا «وجاهت قانونی نظارت استصوابی شورای نگهبان»، مجموعه مقالات نظارت استصوابی، تهران، نشر افکار، ۱۳۷۸.
- طباطبایی مومنی، منوچهر، حقوق اداری تطبیقی، حاکمیت قانون و دادرسی اداری و تطبیقی چند کشور بزرگ، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۸.
- طبری امامی. ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی امامه امیر المومنین علی بن ابی طالب، تحقیق احمد محمودی، تهران، موسسه فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۵.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵ و ۶، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۱.
- عبد المقصود عبد الفتاح، امام علی ابن ابی طالب (ع)، ترجمه سید مهدی جعفری، ج ۱، تهران، انتشارات مروی، ج ۲، ۱۳۵۳.
- علینقی، امیر حسین نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
- فاروقی، فواد، ۲۵ سال سکوت علی (ع)، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۶۲.
- قاضی . ا.، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸
- قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹
- قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۵/۱۲
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (عقود معین)، ج ۳، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، ناصر، وصیت در حقوق مدنی ایران، جلد سوم، نشر ققنوس، ۱۳۷۶.
- گودوین، گیل گای اس، انتخابات آزاد و منصفانه، ترجمه جلال سیفی و قاسم زمانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۷۹.
- ماله . آلبر ، تاریخ ملل شرق و یونان، بی نا ، بی تا.
- مدنی، سید جلال الدین. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۴، انتشارات سروش، ۱۳۶۹
- منتظری، حسین، دراسات فی ولایه الفقیه، ج ۱
- منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی ، ۱۴۰۳.
- موسوی بجنوردی، میرزا حسن. القواعد الفقیه، ج ۴، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا
- موسوی خمینی، روح الله. تحریر الوسیله، چاپ دوم، دار المکتب العلمیه، بی تا
- موسوی. سید عباس علی، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار الرسول و دارالحجۃ البيضاء، ۱۴۱۸.
- مهرپور، حسین، انتخابات و نظارت شورای نگهبان، مجموعه مقالات مشارکت سیاسی، احزاب و انتخابات، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۸.
- نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات بین المللی
- نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۰، بیروت، مؤسسه المرتضی العالمیه دارالمورخ العربی، ۱۹۹۲.
- نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات شرقین، ۱۳۷۹.
- الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- هاشمی، سید محمد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- هاشمی، سید محمد، نظارت شورای نگهبان انضباطی است نه استصوابی و استطلاعی، مجموعه مقالات مشارکت سیاسی، احزاب و انتخابات، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۸.

- هلد. دیوید، مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس فجر، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۹.
- Alder, J. Constitutional and Administrative Law, Macmillan, ۱۹۹۹
- Conley, F. General Election Today, Manchester university Press, ۲ed, ۱۹۹۴
- Dicey, A. V. Introduction to the study of the law of the constitution, London: Macmillan, published in ۱۸۸۵, ۸th ed, ۱۹۲۷
- Kurian, George Thomas. (eds); World Encyclopedia of Parliaments and Legislatures, volume II, Fitzroy Dearborn Publishers, ۱۹۹۸
- Rose, RICHARD, Editor in chief, Observation of Elections, International Encyclopedia of Elections (۲۰۰۰), p. ۱۷۹
- Thompson, B. Constitutional and Administrative Law, Blackston Press, ۱۹۹۳
- Wright, T. The British Political Process, first ed, Routledge Press, Manchester, ۲۰۰۰
- Electoral administration in the United Kingdom - the electoral commission's assessment.
- www.electoralcommission.org.uk
- The electoral commission's annual report ۲۰۰۷-۸.
- www.electoralcommission.org.uk

